



اطلاعیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

قیام مسلحانه

راه حل انقلابی پایان دادن به جنگ

در صفحه ۲

تجدولات درونی جنبش حاکمه، بیرحله، جدیدی وارد میشود

رژیم جمهوری اسلامی که از همان نخستین روزهای استقرارش در ایران، در تمامی عرصه‌های اقتصادی - اجتماعی و سیاسی با تناقضات و تضادهای لاینحل و روپرو بوده است، در دوران قدرت حاکمه

خط مشی صحیح

راه خود را می‌کشاید

آنچه که در تاریخچه حیات خراسان بخش مهمی در جلب اعتماد و حمایت بوده‌های مردم ایناست، همانا موقع گیریهای سیاسی مزب و روشن و انتخابیک خط مشی صحیح و منطبق با منافع بوده‌ها در قبال هرگونه تحول سیاسی است. هرچند تا ذابن موقع صحیح در یک لحظه

بحران اقتصادی همه‌جانبه ای که چندین سال مداوم تمام ارکان زندگی اقتصادی جامعه را فرا گرفته است، تنها به‌حیط تولیدات صنعتی و بحران درصایع محدود نشده بلکه به رشته‌های دیگر حیات اقتصادی جامعه از جمله کشاورزی نیز در صفحه ۸

بحران اقتصادی و تشدید

خانه خرابی دهقانان

حزب توده و اکثریت

در تلاش برای توجیه سیاستهای خائنانه خود

حزب توده و اکثریت " که همواره سازمانهای اپورتونیست - رفرمیست ایران، پیش‌سویان پیغم بروزوازی را در جنبش ضدهکارگر سرعیده داربدوستانه

سرمقاله

جنگ بیرحله حساس

و تعیین‌کننده‌ای رسیده‌است

جمهوری اسلامی همچنان با تمام قوا درین تدارک و سازماندهی یک نیروی عظیم نظامی و کلمه تجهیزات و تسلیحات لازم برای عظیم ترین تعرض نظامی خود در شش سال گذشته است. مداوم نیروهای تازه‌ای به جبهه‌های جنگ کسب میگردند و جبهه‌های از خریدهای کلان تسلیحاتی منتشر میشود. همه این شواهد و موضوعیهای ایران رژیم که همگی برادامه جنگ و تعرض گسترده تاکید میکنند، نشان میدهد که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی قطعا طی نیمه دوم سال جاری اس تعرض وسیع، گسترده و همه‌جانبه خود را در جبهه‌های جنگ آغاز خواهد کرد. تمام شواهد و دلایل موجود حاکی از آن است که جنگ بیرحله حساس و تعیین‌کننده خود نزدیک گشته‌است.

در صفحه ۲

در استانه بازگشایی مدارس

زندگ درس و مهارت در سال تحصیلی جدید در حالی بعدا در سایه که در اکثر مدارس شهرها و رتداوم جنگ ارتجاعی تعدادی از دانش‌آموزان به خاک و خون کشیده شده‌اند. تعدادی دیگر در اثر تبلیغات جنایتکارانه و فریبکارانه

در صفحه ۱۰

یادداشت‌های سیاسی

- ۱ - جمهوری اسلامی در رویای مس‌زانداری منتهی
 - ۲ - جمهوری اسلامی و اجلاس سران "جنبش عدم تعهد"
 - ۳ - بحران حکومت به‌گوانی و محدودیت‌های اعتراض میهنی؟
- در صفحه ۱۸

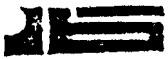
برای برقراری صلحی دمکراتیک، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی علیه رژیم تبدیل کنیم

جنگ بتدریج حاس
و
تشنه کننده‌ای رسیده است

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی علی‌رغم تمام نقاب‌هایی که جنگ طی چندسال گذشته بنا آورده و علی‌رغم کشتارهای هولناکی که در هر ترمین نظامی صورت گرفته است، راه پیروزیهای نظامی و اشغال نظامی سرزمین عراق را برگزیده است. تا کتیک نظامی ای راه هم‌که برای تعمیق استراتژی خود در این ترمین بدان متوسل گشته، تا کتیک ترمین وحمله از طریق مواج انسانی در طول سراسر جبهه‌های جنگ، با حداقل، در مهمترین نقاط دارای اهمیت استراتژیک بطور همزمان است. این در عین حال یک تاکتیک ترمینی برقی است و ضربتی است که طی آن می‌باید ضربه‌ها را از نیروهای جمهوری اسلامی در چند محور از جبهه‌های جنگ جنوب، غرب و جبهه مرکزی حمله را همزمان آغاز کند و در مدت کوتاهی به اهداف تعیین شده دست یابد. اما مسئله در این است که تا جایی که مجموعه شرایط اقتصادی، سیاسی و نظامی موجود، رژیم جمهوری اسلامی قادر است به این طرح نظامی خود اجازه عمل بدهد. رژیم برای این ترمین نظامی خود اعزام کرده به سازماندهی حداقل یک میلیون نیرو نیاز دارد. کاری که به سادگی از عهده جمهوری اسلامی بر نمی‌آید. شاید رژیم قادر باشد تا بسوسل به سام‌نیوه‌های زور سرکوب و تحمیل رقیب نزدیک به این نیرو را بسج کند، اما قطعاً سازماندهی و تدارک تسلحاتی و نظامی این نیرو با توجه به ناتوانی‌های ذاتی این رژیم در غرض‌های مختلف و بسوز و بسخت و بی‌سرمه اقتصادی، سیاسی و انشورای بین‌المللی آن بسیار دشوار است. این واقعیتی است که سازماندهی یک چنین نیروی عظیمی مستلزم ابزارهای لازم، امکانات وسیع و سروهای سازماندهی و رزیده است. اما وضع رژیم تا بدان حد وخیم است که ارگانهای مرکوب و نظامی آن، در اطلاع‌های خود از گمانیکه قادرند واحدهای نظامی را سازماندهی و رهبری کنند، می‌خواهند که خود را به مراکز نظامی رژیم معرفی کنند. از این گذشته سازماندهی امکانات و تدارکات لازم برای یک چنین نیروی رسمی در جبهه‌های جنگ، حتی در حد مواد غذایی، بی‌نایک و حیوانات نظامی گساری بسیار دشوار است که سازماندهی بر اساس

بر روی زمین، امکانات و گادری‌ها، قاتل مدخله، و با لخره هریه‌های گلان و سرام آورده می‌آید. رژیم جمهوری اسلامی در شرایطی می‌خواهد دست‌سازیک ما جراحی عظم بسزد که از حیث اقتصادی در وضع ترمین و صعب خود قرار دارد. در حالی که در آمده‌های نفتی رژیم هر ماه از یک میلیون دلار بسیار کم‌تر شده است، شنشنا هریه‌های نظامی‌اش در هر ماه حداقل ۱/۵ میلیون دلار است. این رخا متواضعیت اقتصادی و مالی رژیم قطعاً امکانات تسخیر و سازماندهی او را کاهش میدهد. از سوی دیگر هر آنچه که رژیم به نیروی انسانی در خدمت نیکه کسار هم نیازمند سلاح‌های است که تا جایی که انشورای بین‌المللی‌اش نمیتواند آنها را تهیه کند، امپریالیستها و دیگر ترمین نیز تا بدان حد، غسواه مستقیم و با غیر مستقیم سلاحه در اختیار رژیم می‌گذارند که موازنه موجود حفظ شود. همه این واقعات نشان میدهند که رژیم جمهوری اسلامی نمیتواند یک ترمین کمکی در سوازه موجود بسازد. اما همین واقعات بر تراه اس سنده است که رژیم در این سوازه درین سوازه دارد و اصلی ترین دلیل در روی آوری رژیم با این ما جراحی عظم نظامی همانا ناتوانی روز افزون مردم ارادانه جنگ و خامت روز افزون اوج اعتمادی و ناتوانی رژیم در تحمل هریه‌های جنگ است. رژیم حتی بمدت چندماه نیز قادر به حفظ این نیروی عظیم در جبهه‌های جنگ نیست. بنا به همین عوامل است که رژیم به یک تاکتیک ما جراحی و جانی‌تکارانه‌ای متوسل گشته است. چرا که این تاکتیک منجر به کشتار هولساک مردم ایران خواهد شد. رژیم عراق هر چند که از نظر نیروی انسانی قادر به برابری با جمهوری اسلامی نیست، اما دارای برتری تسلحاتی و تکنیکی قابل ملاحظه‌ای است. بسوز و برتری نیروی هوایی، زرهی و نیویان ارتش عراق، در شرایطی که جمهوری اسلامی اساساً تعرض از طریق مواج انسانی دست خواهد زد، دارای اهمیت تعیین کننده است. و منجر به کشتار عظمی خواهند شد. رژیم سادگی قادر نیست در جبهه‌های جنگ پیروزی کند. دلیل این امر همانگونه که پیش از این ترمین آن تا کید شده است، در این واقعیت است که موازنه‌های گادگنون در جبهه‌های جنگ ایران و عراق حاکم است. محسول بگرفته، عوامل و ساستهای بین‌المللی است. جنگ دولتهای ایران و عراق جنگی نیست که نتایج آن اساساً محدود به این دو

کشور باشد بلکه ضمن تسخیر منطقه‌ای بین‌المللی است و همین امر بسز تاکنون مانع از پیروزی نظامی یکی از طرفین جنگ بر دیگری شده است. این یکی از عوامل مهمی است که در مرحله کنونی نیز با بسد آنرا به حساب آورد. جمهوری اسلامی هدف استراتژیک خود را در ترمین قریب‌الوقوع خود اشغال نظامی عراق سرنگونی رژیم این کشور و استخرا یک دولت دست‌نشانده و مذهبی بجای رژیم کنونی آن قرار داده است. اما تمامی ساستهای منطقه‌ای و بین‌المللی مخالف این پیروزی جمهوری اسلامی است. در غرض جهانی جز سوریه و لبنان که نقش چندانی هم در ساستهای بین‌المللی ندارند، تمامی کشورهای بسا توسعه‌طلبی جمهوری اسلامی مخالفند. هر چند جمهوری اسلامی یک رژیم بسا نیست ارتجاعی است و با ان اسلامیم آن یکی از ابزارهای مهم امپریالیسم در مقابل جنبش‌های کمونیستی منطقه محسوب میگردد. با این وجود با ان اسلامیم جمهوری اسلامی که در رویای ایجاد یک امپریالیزی رژیمهای ارتجاعی منطقه واز سوی دیگر با امپریالیسم در تاد قرار می‌گیرد توسعه طلبی‌های جمهوری اسلامی تنها به اشغال نظامی عراق و استخرا یک دولت دست‌نشانده در آنجا محدود نمیشود بلکه عراق نخستین هدف در توسعه طلبی‌های ان اسلامیست جمهوری اسلامی محسوب میگردد. چنانچه جمهوری اسلامی به این هدف خود دست یابد، دیگر رژیمهای منطقه چندان تنگلی برای جمهوری اسلامی محسوز نمیشوند. این امر شفا جمهوری اسلامی و کلیه رژیمهای منطقه را تشدید نموده است. تنها رژیمهای عربی منطقه نیستند که از این ساست جمهوری اسلامی در هراسند، بلکه دولت صهیونیستی اسرائیل نیز که تا کنون به اشغال مختلف از جمهوری اسلامی در این جنگ حمایت کرده است و با زهم از ادا به جنگ فریادش حمایت میکند، هرگونه برهم خوردن توازن قوای موجود در ایران خود مستعد. رژیم صهیونیستی اسرائیل بخاطر تصفای اعراب و بسوز و جنبش فلسطین از ادا به جنگ حمایت کرده و میکند، اما نه هیچ وجه نمیتواند یک دولت مذهبی و با ان اسلامیت را در مرزهای خود تحمل کند. امپریالیسم سیرازیک بسوزا طرفه‌ساز از رژیمهای تحت‌الحمایه خود در منطقه و از سوی دیگر با ان علت که پیروزی جمهوری اسلامی در جنگ موازنه موجود را برهم خواهد در صفحه ۱۲



اطلاعیه

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

قیام مسلحانه

راه حل انقلابی پایان دادن به جنگ

کارگران! دهقانان! سربازان! روشنفکران انقلابی!

شش سال از هنگامیکه جنگ همه جانبه دولتهای ایران و عراق آغاز گردید، گذشت. جنگی که در سه روزه و بدبختی، کشتار و ویرانی و تخریب خانه خرابی، و دهها بیست اجناسی دیگر نتایجی برای سوده‌های مردم ایران و عراق در پی نداشته است. آنچه که طی این شش سال سر مردم دو کشور ایران و عراق گذشته است، عمیق فاجعه‌ای را که این جنگ ارتجاعی به ما آورده است نشان میدهد. تعداد گذشته‌نگاران، معنودیس و مملولین از مرزیک میلیون گذشته است. میلیونها تن از توده‌های مردم این دو کشور بملبطل ادا به جنگ، خانه و گاتانه خود را از دست داده، از شهرها و روستاهای خود رانده شده و آواره و در بدر کشته‌اند. بخش عظیمی از اسن مسردم از هستی ساقط شده بمسردت آوارگان جنگی، در اردوگاه‌های فقر و بدبختی تلسار شده و در بدترین شرایط معیشتی و بهداشتی بسر میبرند. سدها هزار خانواده‌ها مدار و مصیبت دیده، به سوگ عزیزان از دست رفته خود نسته‌اند. جنگ تعداد زیادی از شهرها و روستاها، مراکز اقتصادی و بخش عظیمی از تروسهای ملی دو کشور را که ارزش آنها حدود ۵۰۰ میلیارد دلار محسب زده شده است، سکلی ویران و نابود کرده است. این جنگ همه ساله سلبا ردها دلار هزینه، به مردم ستمدیده این دو کشور تحمیل نموده و طی شش سال گذشته این هزینه‌ها سنجواز از ۴۰۰ میلیارد دلار نده است.

جنگ شش سال تمام، عموم توده‌های مردم ایران و عراق را در تشریش و سیم، دلپره و اضطراب فرار داده است. هر لحظه اضطراب و تشریش ناشی از سبازان، سوگ ناران و کلوله ناران، هر لحظه سیم و دلپره ناشی از، اردب دادن فرزند، شوهر، برادر، و پدری که در سینه‌های حن است، چون کاسوسی و خستناک بر فرزند سر مردم ایران و عراق قرار داشته است. اما، سناح ساسد نار اسن جنگ به آنچه گفته شد، محدود نیست. جنگ، اسناد ایران را به ویرانی تمام و کمال سسوق داده است. طی شش سال گذشته سسرد و سست اسنادن جامع سوزناک گراننده و بحران اسنادی سسده نده است. سساری از کارخانه‌ها و موسسات سولندی سکلی سسطل نده و در اسنادی سسکرسولند به حد اقل ممکن کاسی نانه است. کنار ورزی با وسسست و عسبی روبروست و سولند محمولات کنار ورزی، در سساری موارد کاسی نانه است. وضع چنان وخیم است که حتی اسنادی تریسین سسارهای مردم دم از تریسین واردات تا سسین سسکرده، کسود کاسی نانه و سساج عمومی مردم در همه جا محسوس است. فشار سسار این بحران اسنادی و وخیم سسردن روز افزون آن، بر بدوش توده‌های مردم ایران قرار دارد. با سسطل روز افزون کارخانه‌ها و موسسات مختلف، مداوما تعداد سسنتری از کارگران سسکار شده و به ارتش عظیم سسکاران پیوسته‌اند. دهقانان نیز که تحت تا سسیر سشدید بحران اسنادی سسور روز افزونی خانه خراب شده‌اند، به این ارتش سسکاران پیوسته‌اند. هم اکنون تعداد سسکاران از مرز ۴ میلیون تن گذشته است. این جمعت چسب سسلیونی در مره کسانی هستند که حتی از تا سسین حد اقل معیشت خود و خانواده‌شان محرومند و با فقر و سه روزی هولناکی دست سسکریا نند.

قیمت کالاها طی چسب سال ادا به جنگ، مداوما امر اسن سسافند است. هر روز و هر ساعت، سسقیمت کالاها افزوده شده است. روزی نسسگذرد که سسقیمت با سسناج عمومی مردم افزوده نکرده. فشار این تورم اسفارسسخته سسیر قبل ار همه بدوش توده‌های مردم ایران، به سسوز کارگران قرار دارد، که دستمزد ناچسب آنها ثابت مانده است. این فشار بعدی است که دیگر توده‌های مردم قادر نیستند با دستمزد و حقوق ناچسبری که در نافت سسکنند، حد اقل با سساجی راکه برای گذران یک زندگی معمولی لازم است، تا سسین کنند. سساری از خانواده‌های رحمتگان حتی قادر به خریدن گوشت و سسری مواد غذایی دیگر نیستند. این فشارهای عظیم ناشی از بحران اسنادی، سسمرام تحمیل هزینه‌های ناشی از جنگ بر کرده رحمتگان، زندگی را به حد غیر قابل تحمیلی رسانده است. سسوسم ارتجاعی و جنگ طلب جمهوری اسلامی هزینه‌های سسرام آور جنگ را سسقسیم و غیر سسقسیم بدوش توده‌های مردم ایران قرار داده است. بخشی از این هزینه‌ها از طریق ارزش اسامی ناشی از سسولند نعت، که کارگران آفریننده آن هستند و بخشی دیگر به سسوز از طریق مالیاتهای سسرسقسیم اخذ سسشود. طی شش سال گذشته، مداوما بر سسران مالیاتها افزوده شده است و سساره اسراف خورد سسران سسوسم، برداخت کنندگان املی این مالیات کارگران، دهقانان، حرده تولست کنندگان و کسه جز، و حقوق سسگران دوس سساره‌اند. اما دولت سسناها به اخذ مالیات اکسفا سسکرده بلکه مالیات سسیر سسقسیم و غیر سسقسیم، بارور و سسید و سسار از مردم گرفته است. مرثیا بخشی از



چند سال پیش با اعطاف خود، رژیم شاه را جامعه مدنی و بیوان نظامی و سرکوبان و از کون شردند و نظام سلطنتی شاه کورستان
نارنج سپردند، سنگ دوام و سخا، رژیم ارجاعی جمهوری اسلامی را نیز تحمل نخواهند کرد و آنرا به همان کورستانی خواهند سپرد
که رژیم سلطنتی را سپردند.

دور نیست روزی که توده های مردم ایران، استغریان حاکم را سرنگون سازند، به جنگ پایان بخشند و یک حکومت دموکراتیک و
انقلابی را در ایران برپا دارند. این بیکانه را می است که در برابر زحمتکشان و مردم ایران قرار گرفته است.

سازمان ماسکوران سازمانی که از منابع طبقه کارگر، و از موضع این طبقه از منافع عموم توده های زحمتکش و ستمدیده ایران
دفاع میکند، از همان نخستین روز آغاز حکم بر ما است. این جنگ تا کی می شود و در هر گام مبارزات سازمان منافع سزده های مردم
ایران و عراق نشان داد. امروز سر بی از کدسب شمالی ایران را، جنگ خطاب به سز توده های مردم ایران تا کی می کشیم که تنها
راه نجات از شر نفرت شخصی، سب و سنگنا توری و افسان جنگ و برانی تمام منافع طبقه رژیم جمهوری اسلامی و ایجاد
یک حکومت دموکراتیک انقلابی است که در آن، قدرت سیاسی در دست کارگران و دهقانان و عموم زحمتکشان قرار داشته باشد. تجربه
چند سال گذشته، بیرون قدرت رسیدن رژیم جمهوری اسلامی نشان داد. ما دام که قدرت سیاسی در دست توده های مردم قرار نداشته
باشد، وضع روز بروز وخیم تر خواهد شد.

تجربه نشان داد که تنها سرنگونی رژیم شاه نیست، بلکه مهم تر از آن قدرت سیاسی است که باید در دست
توده های مردم قرار بگیرد تا بار دیگر مرتجعین تمام امور را در دست نگیرند و بر مقدرات مردم حاکم نشوند. ما

بر این مسئله به همان اندازه سرگوشی رژیم جمهوری اسلامی داریم چرا که از هم اکنون مرتجعین در کمین نشسته اند تا
سازمانی جمهوری اسلامی، دوباره قدرت را دست نگیرند. روش ترس نمونه آن سازمان مجاهدین خلق ایران است که میخواهد
درست همان نقش را بازی کند که خمینی و اردوستانه و در ضمن سرگوشی رژیم شاه بر میبده گرفتند. سازمان مجاهدین که سب دروغ
خود را مدافع مردم و انقلاب معرفی میکند، در واقع امر مدافع حفظ قدرت سیاسی در دست سرمایه داران است. علاوه بر این، علیرغم
اینکه جمهوری اسلامی ما است ارجاعی و مدد مگرانیک هر حکومت مذهبی راه همگان نشان داد، ما به هم این سازمان خواستار ایجاد
یک حکومت مذهبی دگرگام " جمهوری دموکراتیک اسلامی " در ایران است.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با کمک، از استقرار یک حکومت انقلابی دموکراتیک در ایران دفاع میکند که در آن قدرت
سیاسی در دست کارگران، دهقانان و عموم زحمتکشان قرار داشته باشد. دموکراسی شورایی اعمال شود و مردم از طریق شوراهایی که
هم بمناب به سب و هم اجرائیه عمل میکنند، اعمال حاکمیت نمایند. سازمان ما با هر شکل حکومت مذهبی مخالف است و
خواهان جدائی کامل دستگاه دولت از مذهب است. ما از حکومتی دفاع میکنیم که حقوق دموکراتیک و آزادیهای سیاسی مردم را،
بر مسست بشناسد. هرگونه سب و ستم بر ما به جنس، ملت و قومیت را منافی سازد، حقوق اجتماعی برابریان با مسبردان را
بر مسست بشناسد و حق ملیتهای تحت ستم کرد، ترک، بلوچ، ترکمن و غیره را در تعیین سرنوشت خویش سببید. ما از یک حکومت انقلابی
دموکراتیک کارگران و زحمتکشان ایران دفاع میکنیم که فا در است که منای اساسی در جهت بر انداختن سلطه امپریالیسم و وابستگی
اقتصادی بردارد. یک حکومت انقلابی - دموکراتیک کلسه منافع و موسسات متعلق به سرمایه داران بزرگ و انحصارات بین المللی
را معادله و ملی خواهد کرد. کلسه فراراد های ابارت سازمان امپریالیستی را منافی خواهد نمود. مطالبات فوری کارگران از جمله حق ۴۰
ساعت کار و دور و دور تعطیل بی دربی در هفته و یک ماه مرخصی سالانه را منحق خواهد ساخت. کنترل کارگری، بر تولید و کنترل سزده های
بر توزیع را عملی خواهد نمود. کلسه را غی و مالک زمینداران بزرگ را منحق خواهد نمود. دهقانان معادله خواهد کرد. کلسه بدهی های دهقانان
به دولت، بانکها، موسسات مالی، ملاکین و ربا خواران را منافی خواهد نمود و اقدامات جدی در جهت رفاه عمومی زحمتکشان معمول
خواهد داشت.

بنابراین توده های مردم ایران باید به تبار گذشته خود را بکار ببندند. تنها سرگوشی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری یک
حکومت انقلابی - دموکراتیک نمیتواند صلح دموکراتیک و تحقق درخواستهای انقلابی - دموکراتیک مردم را عملی سازد
کارگران! دهقانان! سربازان! روشنفکران انقلابی!
برای پایان بخشیدن به جنگ و دست یابی به یک صلح دموکراتیک، برای پایان بخشیدن به تمام معاشی که رژیم جمهوری
اسلامی بسیار آورده است، یک راه در برابر شما قرار گرفته است، قیام مسلحانه.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق
زنده باد سوسیالیسم
سازمان چریکهای فدائوسی خلق ایران
شهریورماه یکم هزار و سیصد و نهم و پنجاه

تحولات درونی جنبش حاکمه

تدریجاً جدیدی وارد می‌شود

سابقاً دستگاه دولتی بروز نموده است. لفظی این رژیم را آرام نگذاشته است. تمام کشمکش جناحها و بحران قدرت. مدام یک بحران حکومتی به بحران دیگری مدام رشد نموده تا حدی که سروریک تکلیف عسلی دربار، مبارزه‌های حاد، تصمیم به جناح، حل یک تضاد و بازهم بازسازی تضادهای دیگر و تشدید آنها. بر این مناسبت که سرگذشت رژیم جمهوری اسلامی بیک معنا سرگذشت رژیمی است که از همان نخستین روز تولدش عامل بحران دربار، مبارزه و کشمکش حاد جناحهای هیئت حاکمه و بحران قدرت است. بعضی است که رژیم شاه سرگسوس گردیده و هیئت حاکمه کنونی در تمام امور ابدست گرفت. مبارزه و کشمکش درونی هیئت حاکمه آغاز گردیده، گروهی از لیبرالینها برهبری بازگان و گروهی از کلبه‌گالینها برهبری بهشتی، آن یک در این هیئت دولت و این یک در این شورایی با ملاحظ انقلاب به مبارزه علیه یکدیگر برخاستند. کشمکش ها شدت گرفت، مخالفت های طرفین در زمینه های مختلف بروز کرد، مبارزه شکل عسلی و آشکارتری به خود گرفت، و کما بیشه بازگان و داور دسته او سقوط کرد. اما هنوز مدت زمانی کوتاه از کنار زده شدن جناح بازگان از راس قدرت نگذشته بود که بار دیگر تضاد میان لیبرالینها و کلبه‌گالینها شکل یک کشمکش حاد میان جناحی که سنی صدر در راس آن قرار داشت و جناح بهشتی بازسازی شد. اس مبارزه و کشمکش بچنان مرحله حادی رسیده که یک تکلیف عمیق در درون هیئت حاکمه پدید آورده و چیزی نمانده بود که این تکلیف به اسمعلال و فروپاشی تمام هیئت حاکمه منجر گردد. اما این بار نیز جناح کلبه‌گال سر جناح رقیب فاشق آمد، سنی مسدود و داور دسته و اراس تمام قدرت کنار گذاشته شدند و این تضاد نیز در درون هیئت حاکمه حل گردید، اما هنوز قدرت حاکمه از دست این تضاد و کشمکش ها و ملاحظاتی از آن نجات نیافته بود که بار دیگر تضاد در درون خود کلبه‌گالینها تشدید و دو جناح در برابر یکدیگر به صف آرایی برداختند. در راس یک جناح رفسنجانی و در راس جناح دیگری منتهای در زمره حکموتیان آن قرار دارد. مبارزه و کشمکش میان اس دو جناح اکنون مدتهاست که شکل عسلی و آشکاری خود گرفته است و در همه عرصه ها خود را نشان

داده است. نیروهای واسه ما پس دو جناح آشکارا در مجلس ارجاع صف آرایی علیه یکدیگر برداشته و مستقیماً به جناح دیگر حمله میکنند. در مطروحات و مواضعها جنبه های نماز جمعه و رادیو تلویزیون هر جناح جناح دیگر را منتهی به ناتوانی و خرابکاری علیه حکومت میکند. بر اساس دو جریان به مرحله ای رسیده است که حسدی پیش چشم رای اعتماد مجلس به نخست وزیر موسوی، علیرغم فتوای خمینی، نمایندگان جناح مخالف موسوی، بیجا نخبت و زبیری وی مخالفت کردند. و انبیت وجودی این تکلیف و کشمکش اکنون مسود اعتراف هر دو جناح است. بر همین مناسبت که رفسنجانی چندی پیش طی سبک مواضع مطروحاتی اذعان کرد که رفسنجانی سخت میان این دو جناح که بنا به گفته او هر دو همی و در همه سبادهای و ارگانها حضور دارند، در جریان است. او در همین اعتراف به قدرت جناح دیگر، اساسی ترین مسئله خود را اختلاف این دو جناح را مباحث اقمیادی معرفی کرد و جناح رقیب خود را منتهی ساخت که از مالکیت عمومی نامحدود دفاع میکند. خواهان محدود شدن هر چه بیشتر مداخله دولت در امر اقتصادی، سپردن همه امور بدست سرمایه داران عمومی است و ارفضای سرمایه داران و زمس داران بزرگ دفاع میکند. در حالیکه جناح دیگری سنی جناحی را که خود رفسنجانی حکموتی آن محسوب میگردد بعنوان جناحی که از انحلال بخش دولتی و عمومی دفاع میکند. معرفی نمود. در پی این مواضع رفسنجانی، جناح دیگر که بویژه پس از بحرابی خمینی و دفاع او از موضع انحصاری اس جناح، روحیات روز افزون او و مساع انحصاری مومنت را مناسب یافت دست به یک سلسله حملات تلسفاتی علیه جناح رفسنجانی زد. و با داد مچان یکی دیگر از حکموتیان این جناح یک یک مقاله که در چند شماره نشریه رفسنجانی اذعان نمود که پاسخ به مواضع رفسنجانی اذعان نمود که اس جناح نه تنها در زمینه اقتصادی بلکه در تمام عرصه ها اساسهای جناح دیگر مخالف است و برای اسکه جناح رفسنجانی در معرض فشار بیشتر قرار دهد و مانع از حمایت خمینی با روحانیون دیگر از اس جناح گردد. اذعان نمود که این جناح مخالف قوه سنی و روحانی است. مقاله نه داد مچان و با حیرانینها و دیگر حکموتیان اس جناح در مجلس علیه دولت و بطور کلی جناح رفسنجانی نشان دهنده جدت روز افزونی ساد های این دو جناح است.

جناح حامنه‌ای با و خامت روز افزون و صمیمیت عمیقی جامع و تشدید بحران که بویژه ساکاتش در آستانه نشت بیشتر سنی با نسه، حملات خود را به جناح دیگر تشدید نمود و ارسردن همه امور اقتصادی جامعه دست سرمایه داران بخش خصوصی دفاع میکند. از این رو بخش عمده‌ای از سرمایه داران بخش خصوصی از این جناح دفاع میکنند. بویژه سرمایه داران بزرگ بازار بنحو همه حاسبه‌ای از این جناح دفاع می‌نمایند. این جناح تقریباً تمامی دستگاه روحانی و با لاف ارگانهای رهبری کشنده و صاحب نفوذ در این دستگاه را با خود دارد که از آن جمله میتوان به مراجع مذهبی صاحب نفوذ در مراکز مذهبی، بجا همه روحانیان سنیان و شاخه‌های وابسته به آن، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم اشاره کرد. اس جناح در تمام ارگانها و نهاد های حکومتی از نفوذ قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. هر چند این جناح در مجلس در اقلیت مساند، اما یک اقلیت نیرومند و متمرکز را تشکیل میدهد که هیچ اقدامی بدون موافقت آن نمیتواند صورت گیرد. علاوه بر شورای نگهبان دارای چنان نقش سلطنتی است که هر لایحه و قانونی را مخالف منافع خود سخیس داد، در آنجا و توخواهد گذرد. ریاست جمهوری وابسته باین جناح است. تعدادی از وزرا، در هیئت دولت نیز وابسته به آن هستند. این جناح نفوذ قابل ملاحظه‌ای در کمیته‌ها، و سبک‌ها، دادگاهها و در دواشرای دولتی و یک سیاسی دار است. اکثریت حزب جمهوری اسلامی و رهبری آن سراز اس جناح دفاع میکنند. اما جناح دیگر که رفسنجانی در راس آن قرار دارد، هر چند در اساس تفاوت ماهوی با جناح دیگر ندارد و همچون این جناح از منافع سرمایه داران و ملاکین دفاع میکند، اما اس جناح سستراز سرمایه داری دولتی دفاع میکند و خواهان دخالت هر چه بیشتر دولت در امور اقتصادی است. این جناح سلطنتی توانی در پیشبرد امور و مواضع روز افزون و صمیمت اقتصادی و ملاحظه آنکه عمدتاً سراسر همتهای "دولتی" تشکیل داده، باور یکسانی مالی دولت، موقعیتش در هیئت حاکمه در معرض تضاد روز افزون جناح دیگر، که ملاحظه اقتصادی تقویت شده است، قرار گرفته است. این جناح هر چند در مجلس اکثریت را در اختیار دارد اما اس اکثریت، اکثریت ثابت و متمرکز نیست. هیئت دولت نیز که اکثریت آنرا وابستگان به این جناح تشکیل میدهند، در صفحه ۱۱



خط مشی صحیح

راه خود را می‌کشاید

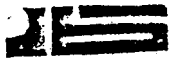
آنها برای ما زمان ما اهمیت فوق العاده زیادی داشته و در هر موقع کبری محاکمات و عقابیت ملی ما زمان را بری طبقه کارگر و بنوده های زحمتکش مردم ایران بیشتر روشن نموده است. در زمره مسائل بسیار مهمی که مردم ایران طی چند سال گذشته با آنها روبرو بوده اند و عواقب و نتایج غیر قابل انکاری در تمام انحاء زندگی آنها داشته است به مثاله جنگ مستولان اشاره کرد. اینکه این جنگ، جنگی ارتجاعی است که متضمن منافع توده های مردم ایران و عراق نیست اکنون دیگر بر عموم توده های آنگارگشته و آنها در عمل در تجربه روزمره مؤثر با این واقعیت آگاهی یافتند. اما هفت سال پیش در نخستین روزهای جنگ که جنگ دولتها یا ایران و عراق از حالت درگیریهای پراکنده، و مرزی بیک جنگ همه جانبه و گسترده، تبدیل شده بود، وضع بگونه ای دیگر بود. اکثریت عظیم توده های مردم ایران نه فقط در آن ایام هنوز نسبت به رژیم جمهوری اسلامی متوهم بودند و آنرا مانع منافع خود می پنداشتند، بلکه بروز جنگ احساسات ناسیونالیستی و شوینستی را بشدت در میان توده ها دامن زده بود و توده های مردم نه تنها قادر به درک ماهیت این جنگ نبودند، بلکه شدت گمراه شده بودند. سوزواری حاکم سر ایران که منافع متعددی را در این جنگ دنبال میکرد و احساسات شوینستی در میان کارگران و زحمتکشان ایران دامن میزد، و هر کسی را که مخالف این جنگ بود با انواع و اقسام اتهامات مورد حمله قرار میداد. سوزواری دراپوزسیون نیز که منافعش در اساس با منافع سوزواری حاکم یکی است، توده ها را به شرکت در جنگ تشویق میکرد، و احساسات شوینستی را تشویق میکرد. اما این امر بیگانه علیه توده های مردم تنها منحصراً سوزواری نبود، عوامل سوزواری در حین طبقه کارگر، اپورتونست - رفوضتهای توده ای و " اکثریتی " نیز سیاست سوزواری را در این زمینه پیش میبردند و برای آن محصل تشویق نیز دست و پا میکردند. اینان استدلال میکردند که رژیم جمهوری اسلامی یک رژیم انقلابی است که در این جنگ

سرکت دارد و سایرین مردم ایران باید به طرد باغ از انقلاب خود در این جنگ معالنه شرکت کنند، و جنگ را از جانب رژیم جمهوری اسلامی جنگی برحق، عادلانه، انقلابی میدانستند، و دفاع میبندی در جنگ را تجویز میکردند. جریانات دیگری نیز همچون سازمان مجاهدین خلق و راء کارگر هم در واقع همین نظر حزب توده و " اکثریت " را ارائه میدادند و تبلیغ میکردند. اما در این میان و در بحبوحه ای که - - - - - ناسیونالیسم نکت نظرانه همه جا را فرا گرفته بود و سوزواری و عوامل مسل آن مدارا به شوینت احساسات شوینستی در میان توده ها دست میزدند، سازمان ما با حرکت از موضع طبقه کارگر و منافع عموم توده های زحمتکش ایران و عراق بیگانه ملی صحیح و انقلابی را ارائه داد و آنگار اعلام نمود که این جنگ، جنگی ماهیتاً ارتجاعی است که تنها منافع سوزواری خودی و امپریالیسم و به زبان توده های مردم است. در مقاله ای که یک هفته پس از آغاز جنگ در ۸ مهر ماه ۱۳۵۹ با عنوان " ماهیت جنگ ایران و عراق و موضع ما " در نشریه " کار " چاپ رسید گفته شده بود که " برای شناخت عادلانه و با غیر عادلانه بودن جنگ، انقلابی یا ارتجاعی بودن آن، باید روشن شود که چه چیزی باعث علت جنگ بوده است، کدام طبقات به آن دامن زده اند و چه اهدافی را دنبال میکنند " از آنجا که سیاست خارجی ما ادامه سیاست داخلی است و از آنجا که جنگ ادامه و انعکاس سیاست داخلی است، پس خلعت جنگ و ماهیت آن اساساً به رژیم داخلی آن کشور بستگی دارد. " و در ادامه این مقاله نتیجه گیری شده بود که - - - - - " سیاست داخلی این دولت در همین مدت کوتاه به آنکارترین وجهی، ماهیت ارتجاعی سیاستهای آنرا نشان میدهد: " بدین لحاظ اگر ساسی که یک دولت منمن در مرحله پس از جنگ در ساسیت داخلی و خارجی و سیستم سیاسی خود اعمال کرده است در حین جنگ نیز ادامه خواهد یافت، دولت جمهوری اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست و ادامه سیاستهای آن بشکل دیگر یعنی جنگ، انقلابی نیست

جنگ از سوی دودسایران سر نموانند استثنی و عادلانه ارزیابی نمود. " این موضع کبری سرب و روشن علیه جنگ و اعتنای ما نسبت آن که امروزه حتی سیر توده های نا آگاه مردم سیر محبت آن آشکار شده است، بیگانه شوینستی صحیح و منطقی با منافع توده های مردم بود. این خط ملی ماهیت شوینستی دیدگاههای اپورتونستی را افشاء میگردوبه توده های مردم آموخت که برای ارزیابی جنگ باید سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی را پیش از آغاز جنگ مورد ارزیابی قرار داد. جنگ مستولان از رژیمهای سیاسی که موجود آن هستند جدا بشاید. اگر رژیم جمهوری اسلامی از همان نخستین روز موجودیتش سیاستی را که در پیش گرفته، ساسی ارتجاعی و علیه منافع توده های زحمتکش بوده است، در حین جنگ نیز همان سیاست ادامه خواهد یافت و از این سیر و جنگ از جانب جمهوری اسلامی نیز جنگی، غیر عادلانه، ارتجاعی، و تجاوزکارانه است. این پاسخی بود ندان نکتن به اپورتونستهای امثال حزب توده و اکثریت و سوزواری کارگر که همه بنحوی از انحاء از جنگ میبندی صحبت میکردند و توده ها را به دنباله روی از سوزواری و سیاستهای آن سوق میدادند. " اکثریت " این سیاست خائشانه و فریبکارانه خود را تا بدانجا پیش میبرد که اعلام میکرد: " وظیفه هر مسن برست واقعی و هر روز منته به راه استقلال و آزادی است که با تمام قدرت به دفاع از جمهوری اسلامی برخیزد. " او خطاب به توده های مردم میگفت: " در این شرایط مبارزه با امپریالیسم آمریکا و مبارزه با تجاوزات رژیمهای منطقه و دفاع از استقلال مسن معنای جز دفاع از جمهوری اسلامی ندارد. " این خط مشی و استدلال شوینستی دقیقاً در خدمت سوزواری، اهداف و منافع آن بود که میگویند بر ساستهای ارتجاعی جمهوری اسلامی سربوش بگذارد، و توده ها را به دنباله روی از سوزواری سوق دهد. چنوبه مسن بود رژیم که در دوران کوتا حکومتی قبل از جنگ به ارتجاعی ترین سیاستها منوسل شده بود و در دفاع از منافع سوزواری به خشن ترین و ارتجاعی ترین شمره ها علیه توده ها منوسل شده بود. در همین جنگ سیاسی

در صفحه ۱۱

زند و بیاد سوسیالیسم



حزب توده و اکثریت

در تلاش برای . . .

جوان، نووکم، تجربه تر یعنی "اکثریت" دریلشوم، خودبیکونه ای دیکر بر خورد کردید تا چیس، ولسود کیدیکه، کویا به خط منشی خود در دورانسی که خدمتدار نام و تمام جمهوری اسلامی بودند انفراداتی هم دارند اما "اکثریت" به هر مسئله ای که برداخته است خرم است اپورتونستی خود را افشا نمود، بیسیسم "اکثریت" که مدعی است به خط منشی خود در دوران رژیم جمهوری اسلامی استناد دارد، اما احادیثی بی انتهای خود چگونه بر خورده میگردد: "اکثریت" در گزارش به پلتفوم این میگوید:

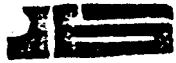
"رویدادهای چند ساله اخیر، تحارب منحنی که طی این دوره بدست آمده است، تحلیلهای کنونی و خط منشی امروز ما، همه روشن مینمایند که خط منشی و برنامه ما در سالهای ۶۰ تا ۶۱ در جهت خلاف روند عمومی رویدادها بوده است."

اس تمام آن با ملاحظه انتقاداتی که "اکثریت" میخورد وارد میدانند، خوب در این گفتار اکثریت در گفتار کندی اپورتونسم را در کلیه به کلیه آن سینه: او استدلال میکنند که "تحلیل های کنونی" و "خط منشی امروز" اش همه روشن سازد که خط منشی "اکثریت" در جهت خلاف روند عمومی رویدادها بوده است "آنهم تنها" در سال ۶۰ و ۶۱: "اینکه لنین میگوید اپورتونسم با فقدان اصول منمن و ثبات منحنی منمود و مشکل بتوان مع اپورتونسم را با اصول گرفت، چرا که "اپورتونست بنا بر ماهیت خود همیشه از طرح صریح و قطعی مسئله اجترار مجبورید و مثلما ریسین خنرا تاسخ و منسوخ بخود میسجد، به تشبیه ترین شکل ممکن در این گفتار "اکثریت" میگوید است، بالاخره منیوم نمشود که آیا "اکثریت" در قبال حیانتیهای که مرتکب شده هیچ انتقادی بخود وارد میدانده؟ هرچند که کار "اکثریت" از اینفا گذشتنه است، سهر حال نحوه فرمولبندی چگونه است که سنا به سرباط و وساع و احوال بنیادین چینه را تغییر کند، اسکه اس خط منشی چه سناچی سناکار آورد؟ چه فرمایشی را بر سر کرسیش وارد آورد و رسته آن در کجاست "اکثریت" باین

بخش حاشیه خود را غشه غشته شارشگری به فرجام رساند و طریقه شمتکس دستگیری برینکریطبه کارگروا انقلاب ایران وارد آورد، دوباره تشنهای مذسوحانه ای را آناز کرده اندنا مگردر آمده سزیتوانند بار دیگر ایس وظیفه خود را انجام دهند، اراس رو پس از آنکه رشواتش تمام رکمال خط منشی و سناستی این دو سازمان برهستان عمان و آشکار گردید و توده های رحمتکشی مردم ایران بگنازید کرد عقل دیدند که اینان جز خدمتگزار بی سوز و آرزوی مره زدن به جنس طبقه کارگر و انقلاب ایران رسالت دیگری سرعیده ندارند، بار دیگر نا هدمیم که ایس دو سازمان تشنهای وسیعی را آغاز کرده اندنا تنحوی از انحاء سیاستهای خود را در دفاع از رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی توجیه کنند، و سهر حاشنهای بی انتهای خود سرپوش بگذارند، این مسئله بویژه از آن جهت برای ایس سازمانها بیک مسئله جدی تبدیل شده که افتاء و ورشکستگی سیاستهای آنها مجربه سوزیک بحران عمیق در مفهوم خود آنها شده است، اختلافات درونی شان تا بدان حد بازگرفته است که فی المنال گروهی از اعضا گمسته مرکزی حزب توده علم مخالفت را علیه گروهی دیگر سردانسته و دست به انتشار اطلاعیه های جداگانه ای در ارضای رهبری حزب توده زده اند، بی سربا ایس اپورتونستیهای توده ای و "اکثریتی" بسد چاره جوشی برداخته و مسطور توجیه خط منشی خود در حاشی از محتمله ای که بسد آن گرفتار شده اند، به برگزاری با مظلوم کینفرانسی و پلتنوم متوسل شده اند، در اس مان حزب توده که خود بخوبی آگاه است که آنچه در دوران رژیم جمهوری اسلامی انجام داده است، در حقیقت وظیفه ایس حزب سموان دلال سازش طبقاتی و خدمتگذار بسوز و آزاری بسوده است، در کنفرانسی که اخبارات تشکیل داده می سرو مدا از کنفرانسوایشیهای سیاسی غیرش گذشت و تنها مخالفن حزبی اش را بسداد استفا دگرفت و دو باره سنا رجهیه خلقی اش را سمان کشید و همه را دعوت به شرکت در این جنبه نمود، حزب توده بخوبی میدانست که اگر بخواد هوادار چون و چوای خط منشی و سیاست خود در دوران جمهوری اسلامی کرده، سردانه رسوائتشان افزوده خواهد شد، چنانکه کوشی هیچ اتفاقی نیافتاده است، اگر کنفرانس مثل گذشت، اما سوده ایسهای

مسائل بسبب زیادد، اومضا اعتراف میکند که خط منشی و برنامه اش "در سالهای ۶۰ و ۶۱ در جهت خلاف روند عمومی رویدادها بوده است، حال چرا؟ علت اش روشن است، "روند عمومی رویدادها" میبایستی بر طبق خط منشی و برنامه حزب توده و "اکثریت" مستکبری سوسالیستی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی باشد و این "مستکبری" داشته به سهر و خوشی صورت میگرفت و همه چیز بروقن براد بود که بناگهان جمهوری اسلامی پاسخ تمام دیپوزگی ها و خوش خدمتی های "توده ای" "اکثریتی" را با یک سلسلی محکم داد، از اینخا دیگ سهر "مستکبری" برهم میخورد و "روند عمومی رویدادها" چیر دیگری میشود که نتیجه اش عدم مطالبت برنا مه و خط منشی حزب توده و "اکثریت" با "روند عمومی رویدادها" است پس اگر در این میان بین خط منشی و برنامه "اکثریت" و روند عمومی رویدادها شکافی هم بدست آمده باشد مقرر جمهوری اسلامی است که از سمت گیری سوسالیستی منصرف گردید و الا حزب توده و "اکثریت" ارهح بلانی درخ نوریده اند! ایس است مننای واقعی گفتار "اکثریت"، از سوی دیگر اکثریت فقط از سالهای ۶۰ و ۶۱ سخن میگوید که هدف او در عین حال ایس است که کارنامه سنا خیا ننت اش را بسد این دوران محدود کند، اما هوانیسان اندک آگاهی این را دیگربخوبی فهمیده است که سالهای ۶۰ و ۶۱ ادا مه روند عمومی رویدادها در سال ۵۸ و ۵۹ است و هیچ تغییر اساسی در ماهیت رژیم و سیاستهای آن صورت نگرفت که سیاست "اکثریت" صرفا در سالهای پس از ۶۰ خلاف روند عمومی رویدادها بوده باشد، بلکه سال ۶۰ نقطه ایست که از آنجا رژیم جمهوری شرفات خود را بسد انقلاب دست آورده ای انقلابی توده ها که ارقبیل آغاز کرده بود وسعت می بخند، "اکثریت" میخواهد برای سرپوش گذاردن بر خیانتیهای خود توجیه سیاست اپورتونستی اش، رژیم را در سالهای قبل از ۶۰ منرفی و انقلابی معرفی کند، اما اکنون دیگر همه دریافته اند که رژیم جمهوری اسلامی از همان نخستین روز شکل گیری اش رژیمی ضد انقلابی و ارتجاعی بوده است، این رژیم بمانابه پاسدار نظام سرمایه داری و مدافع منافع سرمایه داران و متکین از همان فردای قسام

زننده و بساد استقلال طبقاتی کارگران



گفتمان‌های صحیح

راه‌شود راهی کنایه

دیگر وارد پیش نکرد؟ اما حقیقت
وضع گیری سازمان ما هنوز در آن ایام
سربساری ارتوده‌های مردم پوشیده مانده
بود، هنوز بخش عظیمی از توده‌های مردم
نمی‌توانستند درک کنند که چرا جنگ از
جانب رژیم جمهوری اسلامی نیز جنگی
ارتجاعی و نجات‌گزارانه است. گذشت مدتی
کوتاه کافی بود تا توده‌های مردم با شعار
روزمه خود به صحت و حقیقت موضعگیری
ما واقف گردند. چرا که جمهوری اسلامی در
حسن جنگ بر دامنه سیاستهای ارتجاعی
خود افزود به بنانه‌نگ به سرکوب توده‌ها
پسوداخت، آزادی‌های سیاسی را از مردم
طلب نمود، استثمار کارگران را شدت بخشید
برندت فشارهای خود بر مردم افزود، و بنا
گذشت هر روز بیشتر آشکار شد که این جنگ
نشنا و تشنه‌سنگ بورژوازی و امپریالیسم
به‌زیان توده‌های مردم ایران و عراق
است. گذشت مدتی کوتاه کافی بود تا
توده‌های مردم به دروغ بردازی‌های
بورژوازی درباره جنگ مبنی و تشنه
دروغ برداریها و فریبکاریهای عوام‌سال آن
واقف گردند، چنانکه امروز دیگر حتی
سخت‌هاشی از بورژوازی و نیز عوام‌سال
بورژوازی ناکزیر شده‌اند، که شعارهای
گذشته خود را کنار بگذارند. امروز دیگر
حتی حزب نبوده، "اکثریت" و راه‌کارگر
سرازم جنگ مبنی و "عادلانه"، جمهوری
اسلامی مبنی بمان نمی‌آورند، موضع گیری
نورس و حقیقتی سازمان ما که منتهج از
واقعیات عینی و خط مبنی علمی و انقلابی
سازمان ما است، چهره همه فریبکاران را
به توده‌های مردم نشان داد. اما همه‌گانی
که با دفاع از جمهوری اسلامی و جنگ
ارتجاعی در انتظار توده‌های مردم رسوا
سی اعتبار شده بودند، با ردیگر با شمار
"ملح" و با چهره‌ای حق بجانب می‌بودند
آمدند، تا وظیفه خود را در خدمت به بورژوازی
این بار بکنند دیگر پیش ببرند، آنها از
توده‌های مردم خواستند که از رژیم جمهوری
اسلامی ملح طلب کنند و شما سازمان ما را
مبنی بر "تبدیل جنگ به جنگ داخلی"
سودا نشاند و حمله قرار دادند. این موضع
اپورتونستی مبنی بر درخواست ملح از
جمهوری اسلامی اتاعه این توهم در میان
توده‌هاست که گویا بورژوازی می‌تواند
ملحی را به مردم بدهد که مسمم منافق
نشنا باشد. اگر جنگ، ادامه سیاستهای
ارتجاعی جمهوری اسلامی است و اگر این جنگ

بطورالاینکی با ماهیت ارتجاعی رژیم
جمهوری اسلامی مرتبط است، پس روشن
است که ملح نیز نمیتواند جدا از جنگ و
ماهیت ارتجاعی تمام سیاستهای رژیم
باشد. کسانیکه از توده‌های مردم
میخواهند که از رژیم جمهوری اسلامی ملح
طلب کنند، توده‌های مردم را فریب می‌دهند
و آنها را با زیجه مقاصد بورژوازی و
دیپلماسی آن فرار می‌دهند. این موضع در
واقع همان سیاست فراخواندن توده‌های
مردم به دنباله‌روی از بورژوازی در
اوانل جنگ، استکلی دیگر است.

سازمان ما با حرکت از موضع طبقه کارگر
و منافع عموم توده‌های زحمتکش در رابطه
با مسئله ملح و پایان دادن به جنگ نیز
موضعی درست و انقلابی اتخاذ نمود و از
مدتها پیش اعلام نموده است که یگانه راه
حل انقلابی پایان دادن به جنگ و دست
یابی به یک ملح دمکراتیک، تبدیل جنگ
ارتجاعی به جنگ داخلی انقلابی است.
این بدان معناست که دستسای یک
ملح دمکراتیک یعنی ملحی که منتهج
منافع توده‌های مردم باشد تنها با تمام
انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی سر
است. سازمان ما همانند تمام سازمانهای
کمونیستی سراسر جهان پیوسته جنگ میان
ملتها را بشنوان عملی جابجا رانه محکوم
کرده و برای یک ملح جاودانه پیکار میکند.
اما همیشه به طبقه کارگر و توده‌های
زحمتکش ایران توصیه داده و می‌دهیم که
باید با مسئله جنگ و ملح برخوردی
طبقاتی داشت. جنگ زاشیده نظام طبقاتی
است، برای برانداختن جنگ باید نظام
سرما به داری را بر انداخت. مادام که
بورژوازی قدرت را در دست داشته باشد،
جنگ نیز وجود خواهد داشت و توده‌های
زحمتکش نمیتوانند بیک ملح جاودانه
دست یابند. موضع سازمان ما مبنی بر این
که برای دست‌یابی بیک ملح دمکراتیک
جنگ کنونی را به جنگ داخلی تبدیل نمود
بسیاری صحت و حقیقت خود را به عموم
توده‌های مردم ایران نشان می‌دهد.
توده‌های مردم ایران پیش از پیوستن
درمی با بنده که راه دیگری جز قیام
ملحانه برای پایان بخشیدن به جنگ در
سراسر آنها قرار ندارد. بی‌جهت نیست که
سازمانهای فرصت طلبی امثال "راه‌کارگر"
که همین چند ماه پیش خصمانه شعار تبدیل
جنگ به جنگ داخلی یعنی قیام و انقلاب

را مورد حمله قرار میداد. امروز ناکزیر شده
است برای اینکه ارفاقه عیب نمائند، این
شعار را سردرد. خط مبنی ملح راه خود را
می‌کشد و صحت و حقیقت خود را در عمل به
انساب میرساند. راه پایان داده به
جنگ ارتجاعی تبدیل آن به جنگ داخلی
است. این حقیقت امروز دیگر در برابر
توده‌های مردم فرا گرفته است.

تحولات درونی هیئت حاکمه

بیرحله جدیدی وارد میشود

در وضعیت مساعدی قرار ندارد. در درون
دستگاه روحانیت بخش بالنسبه محدودی
از این جناح حمایت میکنند و برخی از
روحانسون نظیر منتظری نیز که تما پسند
بیشتری به این جناح دارند، موفقی
قاطع بنفع این جناح اتخاذ نگردانند.
در مجموع هر چند این جناح هنوز از موقعیت
مستحکم در حاکمیت برخوردار است و
ارگانهای اجرائی نیز عمدتا تحت رهبری
این جناح اند اما این وجود موقعیت این
جناح بدام در معرض حملات گسترده و روزافزون
جناح دیگر قرار گرفته است.

اکسون توازن میان این دو جناح
بیرحله‌ای رسیده است که با اندک تغییر
در اوضاع بر مبنای زمینه‌های فراهم شده،
کابینه موسوی کنار گذاشته شود و جناح
رضی با تشکیل یک کابینه و در دست گرفتن
ارگانهای اجرائی نقش قوی تری نسبت به
گذشته را بدست آورد.

چنین بنظر میرسد که تعرض نظامی
قریب الوقوع جمهوری اسلامی در جبهه‌های
جنگ که هر دو جناح بر سر آن هم عقیده‌اند،
تحولات درونی حاکمیت را اندکی بتا غیر
انداخته است.

تعرض نظامی رژیم در جبهه‌های جنگ
هر نتیجه‌ای را که در پی داشته باشد، این
تحولات درونی هیئت حاکمه را تسریع
خواهد کرد و کشش‌های جناح‌های درونسی
آنرا تشدید خواهد نمود.

گرامی با دخاله‌های ۰۰۰

- ✦ محمد رهبری
- ✦ علیرضا براقی
- ✦ مهدی سمی
- ✦ ابوالفضل قزل‌ایاق

و معلم انقلابی محمد بهرنگی
و تمام جانباختگان راه‌های شکی،
دمکراسی و سوسیالیسم گرامی بنماید.

بحران اقتصادی و . . .

به سوی شهرها سرازیر میشوند و بخش عظیمی از آنها در ارتش ذخیره صمیمی متمرکز میگردند. این روندی است که در تمام کشورهای سرمایه داری طی میشود. در ایران نیز پس از رژیم ارضی شاه و تحولاتی که در پی آن بود، نوع پیوسته و رونقدهانه خراسانی و روافزون دهقانان و پیوستن آنها به صفوف کارگران شدت گرفت. هرچند در کشورهای نظیر ایران، سرمایه داری وابسته فاقد قدرت جذب بخش قابل ملاحظه ای از این نیروی رها شده از زمین و روستاها میباشد و علاوه بر این روستاها خانه خرابی دهقانانی که بیارای مفاصله با مویسات و سرمایه های بزرگ راندارند و روبرو با فشارها و تنصقات متعدد از جمله فشارهای مالی سرعت ازبای درمیآید و با هر بحران خانه خراب میشود. بنابراین روستاها همیشه بخش بسیار عظیمی از دهقانان خانه خراب در ارتش سگساران متمرکز میگردند و در حاشیه شهرها در فضا و فلاتک میسر میگردند. با این وجود تا اواخر دهه پنجاه بخش قابل ملاحظه ای از این نیروی کار جذب بخشهای مختلف بود. بخش خدمات شد. اما اوج گرفتگی بحران و مداوم آن تا سه امروز بحسب کشمیری از این نیروی رانده شده از روستا در ارتش سگساران متمرکز شده است. جمهوری اسلامی در نتیجه سیاستهای ارضایی خود و تشدید بحران نیروهای موماع انبوه است. شرایط زندگی دهقانان و روستاها در دوران شاه و خانه خرابی در زمان آنها بسیار نده است. در دوران حکومت جمهوری اسلامی تعداد کشمیری اردو دهقانان خانه خراب تدریجاً همراه همه پرولترها و کارگران کشاورزی که در روستاها کار نمیکنند، روانه بیخا شده اند. اینان در مستهای مغرب و بخشی در حاشیه شهرهای بزرگ زندگی میکنند. بر طبق آمار رسمی در حالیکه در سال ۱۳۵۶ از مجموعه ۲۴/۵ میلیون جمعیت ایران ۵۲/۲ درصد کل جمعیت را جمعیت روستایی تشکیل میداد. در سال ۱۳۶۱ از مجموع ۲۵/۵ میلیون جمعیت ایران ۲۸/۹ درصد آنرا جمعیت روستایی تشکیل میداد. این برهم خوردن این ساختار جمعیت درستی با این گوناگونی عمدتاً منجر به مهاجرت سبب آبی دهقانان خانه خراب و همه پرولترهای روستاها شهرهاست که آمده

با پس کار روانه شهرها شده اند. در مدت طی چهار سال پس از ۱۳۶۱ این روند مهاجرت تشدید شده است. سایر این روس میگردند که مجموعه سیاستهای ارضایی رژیم جمهوری اسلامی بحران اقتصادی را در همه روستاها از جمله در کشاورزی تشدید کرده است. این تشدید بحران منجر به تشدید خانه خرابی دهقانان و پیوستن آنها به اردوی عظیم پرولترسنگی و بیگاری در شهرها شده است. رژیم جمهوری اسلامی نه فادزیه حل بحران است و نه بهبود در زندگی روستاگان. مادام که رژیم جمهوری اسلامی سرکار باشد، وضع دهقانان نیز همچون کارگران مدام وخیم تر میگردد. و شرایط زندگی آنها در دوران رژیم میشود. سبب درک جمهوری دموکراتیک که در آن قدرت سیاسی در دست کارگران، دهقانان و عموم توده های روستاها قرار دارد، مسوان بر حاشیه های موجود فاش آید و در شرایط زندگی دهقانان نیز بهبود قابل ملاحظه ای پدید آورده. چرا که بدون انجام نکرشته اقدامات دموکراتیک و رفاهی بمسوان نمیشود در اوج بند آورده. سبب یک دولت دموکراتیک و انقلابی که کلیه اراضی کشاورزی را ملی اعلام خواهد کرد و سبب توری کلیه اراضی و متکی زمینداران بزرگ، آنها را در احسان دهقانان مشکل بده در بر اوها و احداثه های دهقانی فرا خواهد داد. دولتی که امکانات مالی لازم را با شرایط سهل و آسان در اختیار دهقانان قرار خواهد داد. مدعی های دهقانان به بانک سرمایه داران، مویسات مالی و دولتی، ربا خواران را ملتی خواهد نمود. وام بدون بهره در اختیار دهقانان قرار خواهد داد و آنها را با کمکهای تکنولوژیک از قبیل ماشین آلات، کود، بذر و غیره یاری خواهد نمود و کشت حتمی و بزرگ را مستطور مرفه جوشی در کار و روستاها محمولات و اسلحه هرجه و هیچ ترار روشهای علمی و فنی را تشویق و متداول میسارد. تنها، حسن دولتی فادرات، سرخساران در کشاورزی فاش آید و کامیابای حدی در جهت پیوند و صمیمیت دهقانان روستاها سردارند. سبب از طریق احداث کارگران و دهقانان برای سرکشی رژیم جمهوری اسلامی و احداث حکومت انقلابی - دموکراتیک کارگران، دهقانان و عموم روستاگان، انجام اقدامات فوق العاده دهقانان سبب خواهد بود.

چک بفرجه حسن
و
نقش کنده ای رسیده است

رد و بحران منطقه را تشدید خواهد نمود. با این پیروزی مخالفان است. در این میان موقع کشورهای سوسیالیستی و مترقی نیز غلبه هرگونه پیروزی جمهوری اسلامی و حتی ادامه جنگ نیز روشن است. از اینرو هیچ عامل مساعد بین المللی به نفع رژیم جمهوری اسلامی وجود ندارد و هیچ غلبه آن است.

با تمام این اوصاف رژیم جمهوری اسلامی که شش سال تمام به این جنگ ادامه داده، وجود ربا سنگ بحران و غم سیاسی روستاها و سبب در مقابل خسود نمیشد مگر آنکه در جنگ پیروز شود و سبب پیروزی نظامی از اینها بحران و غم که با آن روستاها نگاهد، با اینکه توام با نابودی خود بخش کشمیری از مردم ایران و عراق را نیز به نابودی بکشاند. سبب این علیرغم اینکه از تمام مسائل فوق الذکر آگاه است و خوبی میداند که تعرض از طریق امواج انسانی با توجه سبب رژیم عراق از تمام امکانات و سلاحهای مخرب خود علیه این حمله استفاده خواهد کرد. منجر به کشتار هولناکی خواهد شد که در شش سال گذشته سابقه نداشته است. با این وجود برای نجات خود راهی را برگزیده است. که چریک فاجعه بزرگ برای مردم ایران و عراق نام دیگری سبب آن مسوان گذاشت. کارگران و روستاگان سبب بران سبب از طریق یک مبارزه همه جانبه برای سرکشی جمهوری اسلامی است که میسوانند جنواین فاجعه عظیم را بگیرند. شونده ای مردم ایران باید این واقعیت را دریا بند که حتی فرض پیروزی جمهوری اسلامی در همه های جنگ نیز برای مردم ایران و عراق یک فاجعه محسوب میشود. فقط از این جهت که توام با یک کشتار عظیم است بلکه از آن سبب تسلط رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و بان اسلام ارتجاعی در منطقه، بگرفته جنگهای مداوم و فشار هرچه بیشتر حکومت مذهبی حاکم بر ایران، بر توده های مردم ایران است. هیچ راه دیگری جز قیام مسلحانه برای سرکشی جمهوری اسلامی در برابر توده های مردم ایران قرار ندارد.

پیشش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

حزب توده و "اکثریت"

در تلاش برای

وگفته اند خود را مخالف رژیم نشان دهند، با اس وجود سه ماهه تاپورتونستی نشان همه بشمارا بپست سر خود خراب بکرده و حضور گریه جمعی به خاکبیت موجود دارند. "اکثریت" در گزارش خود، همتاها که در مرکز از صاحبها و گروههای وابسته به آنها در محنتی میداند که در میان آنها ساندگان بزرگوارانی کوچک و متوسط نیز که در سطح این سازمان در مرز نیروهای خلقی محبوب مسعود، حضور دارند. "اکثریت" میگوید: "این رژیم هنوز بکدامت نیست و علیرغم وحدت همه جناحهای آن در دفاع از سامع روحانیت منتهای یک قشر احصائی، به لحاظ وابستگی طبقاتی مختلف روحانسون به لایه های مختلف اجتماعی همچنان کراسات متفاوتی را حمل میکند. کراسات وابسته به بزرگوارانی متوسط و کوچک را در زمره نیروهای خلقی میبشمارد و خواهان تکمیل "اکثریت" در این زمینه هستند. این گفتار "اکثریت" تدبیر مناسب است که اجتمالی قدرت گرفتن بزرگوارانی متوسط و کوچک را که در خاکبیت حضور دارند نباید از نظر دور داشت. برای اس کافی است که جمهوری اسلامی دیوار اندکی به حزب مسعود و "اکثریت" زوی حوس نشان دهد تا در برابر چشمان حیرت زده همگان تبدیل به رژیمی انقلابی و مترقی گردد. و این تعبیر آور نیست. "اکثریت" تحمیل خود را بکوسه ای تنظیم نموده است که با شکوی هرومسی باشد. اگر گروهی از بزرگوارانی ابوریسون قدرت را بدست بگیرد، جایگاهی برای خود دست و پا کرده باشد و اکثر قرار ندهد دوباره به خدمت جمهوری اسلامی درآید، سازمان سوجیبی داشته باشد.

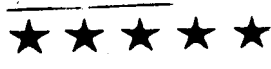
برای ابورتونسم تفاوتی نمیکند، وظیفه سکی است و آن خدمت به بزرگوارانی است. خواه رژیم جمهوری اسلامی باشد، و یا فی المنل جمهوری دمکراسک اسلامی شورای ملی مشاوره.

اما بحراش که استکبار بوده و "اکثریت" آن روبرو هستند و اس چیر دیگری ضرورتی، افتاء و بی اعساری

اودرتنگ است و از اس روح مردم از همه سنگس تراست. سهاک غلبه را مسوا دیگر کرد و آن پست کردن جمعی و رژیم او به حزب توده و "اکثریت" است. و از خمسی امروز همان است که ۸ سال پیش مسعود. مواج و خط منی امروز همان مواج گذشته است و در پس مدائلی او هیچ نسفیری صورت نگرفته است. "اکثریت" در اینجاسر نشانی میکند که به خمسی و دستگاه روحانست او ملل از سال ۶۰ نشانی انقلابی و مترقی شده. در حالیکه روحانست این دستگاه ابورتونستی، دستگاه روحانست بموان یک دستگاه تربیب و خمسی در همه حال وظیفه ای مدائلی و ارباعتی بر عهده دارد. خمسی و دیگر روحانسون نیز از همان آما زبالی جز معرفت با خمسی جنبش توده های مردم و سنگس انقلاب بر عهده نداشتند. کسی که جز این معتمد باشد، به مردم دروغ میگوید و به آنها خیانت میکند. درست همان کاری که "اکثریت" میکند. تردیدی نیست که توده های مردم ایران باج حسابات خمینی و رژیم او را خواهد داد و در مجاریات سختی در مورد این جاسکاران و سنگساران سورد اجرا خواهد گذاشت. اما "اکثریت" نفس داشته باشد که جرم گسانی که آگاهانه به توده های مردم دروغ گفتند، آنها را فریب دادند و به جانسرداری از خمینی فراخواندند، گسانی که بر اساسهای ارتجاعی و فداانقلابی جمهوری اسلامی مهر نداشتند، خود را بپرو "خط امام" نامیدند و در سرگوب توده های مردم ایران و پارمانهای انقلابی فعالانه با رژیم همکاری کردند. کمینا از خمسی نیست. از این جهت توده های مردم ایران با همان خشم و نفرت و انتزاعی به خمسی نگاه میکنند که به حزب توده و "اکثریت". بنا بر این اگر ابورتونستیها امروزه که دستشان از همه جا کوتاه شده است، مدها باریه حسابات خمینی اثاره کنند و او را محرم اصلی در سنگس انقلاب معرفی نمایند، ما رهم در برغورد و موضع توده های مردم نسبت به آنها تفسیری صورت نخواهد گرفت. توده های مردم ایران خوبسی دریافته اند که حزب توده و "اکثریت" چر دسمی با خلق کاری نداشته و ندارند. و هنگامیکه میگویند خود را دوست خلق معرفی کنند، چون یک گزب در پیوست مس ایند که خدمتان مره زدن از درون به توده های مردم ایران است.

اما حزب توده و "اکثریت" علیرغم تمام تشنهای عوام فریب ادای که بپسرای توجه ساست خائسانه خود کار گرفته اند.

خط منی آنهاست. به آنها امکان ندارد خواهد داد که بار دیگر توده های زحمتکش مردم ایران را فریبند و بدساله روزه ابورتونستی بکشند. افتاء خط منی حزب توده و اکثریت بار دیگر به طبقه کارگر ایران سان داد که سوسالیم نوع حزب توده و "اکثریت" هیچگونه وجه تاسبی سوسالیم علمی ندارد. سوسالیم علمی بر ماباره طبقاتی میان بزرگوارانی و بپرولتاریا تا کدمیورزه و این ماباره را سروری محرکه تاریخ میبشمارد. در حالیکه سوسالیم خلقی توده ای و عوامل را جایگزین ماباره طبقاتی میکند و ایده سازی طبقاتی را بجای ماباره طبقاتی تسلیخ میکند. سوسالیم علمی بر اساس طبقاتی اکید بپرولتاریا و متاسر نمودن مف و سبات مستقل است. تا کدمیورزه، در حالیکه سوسالیم ابورتونستی حزب توده و "اکثریت" طنه کارگر را به دناله روی بپرولتاریا سون میدهد. سوسالیم علمی بر نقش دوران ساز طبقه کارگر بموان بگانه طبقه ان که رسالت ساختمان سوسالیم را بر عهده دارد تا کدمیورزه، در حالیکه سوسالیم "توده ای" ابورتونستی را بر عهده حرده تولیدکنندگان حوس بزرگوارانی با صلاح ملی و وطن پرست قرار میدهد. سوسالیم علمی بر اساس اجتمالی و دیکتاتوری بپرولتاریا سبای می فشارد. در حالیکه سوسالیم نسو حزب توده با دفاع از تزاره رشده به سرمایه داری و واگذاری نقش طبقه کارگر به خرده بزرگوارانی عملا بین هر دو وانگس میکند. سوسالیم علمی بپروزی انقلاب دمکراسک را در عمر کنونی تنها تحت هژمونی رهبری طبقه کارگر ممکن میداند اما سوسالیم نوع حزب توده ضرورت ابورتونستی رهبری و هژمونی را برای بپروزی انقلاب استکار میکند. سوسالیم حزب توده و "اکثریت" نوعی سوسالیم بپرولتاریاست که سام مارکسم علیه مارکسم و سام نشخه کارگر علیه طبقه کارگر مبارز میکند. اس با مطلق سوسالیم، سوسالیمی ارتجاعی است که هیچ وجه تاسبی سوسالیم علمی، مارکسی، انگلس و لنین ندارد.





حزب توده و اکثریت

در تلاش برای

و گروههای تروریست حزب الله نیز سرجای خود هستند. پس می بینیم که ماهیت رژیم سیاستهای آن قبل از سال ۶۰ که اکثریت از رژیم دفاع میکرد پس از سال ۶۰ تغییر نگرد و سیاستهای رژیم در سالهای پس از ۶۰ ادامه همان سیاستهای رژیم در سالهای قبل از ۶۰ است. این مسائل که اکنون بر همگان روشن شده است، از همان آغاز بغددرت رسیدن جمهوری اسلامی یکی از نکات مورد اختلاف "اقلیت" با "اکثریت" را که البته در آن ایام هنوز در منجربلاب اپورتونیزم و ارتداد همه جا تبه گشویی اش فروزفته بود، تشکیل میداد. همگان باید دارند که از همان مقطع پلنوم وسیع مهرماه ۵۸ که "اکثریت" امروز در گزارش خود از آن بعنوان سپهری تازه ای علیه "کتا رژیم" یاد میکنند مدعی میشود که سازمان پیش از آن دچار چپ روی شده بود "محویات نخستین پلنوم وسیع سازمان در مهرماه ۵۸ سپهری تازه ای علیه "کتا رژیم" بود یکی از عرصه های مهم مبارزه "اقلیت" علیه جناح راست موسوم به "اکثریت" بر سر مسئله ماهیت حاکمیت بود. "اقلیت" به تبیین تاریخ خط مشی انقلابی و لایسی خود از راسی در دست و واقعی ارما هیت ضد انقلابی و ارتجاعی جمهوری اسلامی ارائه میداد و خواستار یک مبارزه فعال علیه رژیم و سازماندهی و تدارک نیرو برای سرنگونی آن بسود. "اکثریت" ناگزیر است که برای سرپوش گذاردن بر سیاستهای اپورتونیزمی و مشی خائنانه خود، بازم رژیم جمهوری اسلامی را در سالهای قبل از ۶۰ انقلابی و مترقی معرفی کند و سپهری خود را در پلنوم مهرماه ۵۸ جشن بگیرد. اما این حقیقت دیگر بر توده های مردم ایران روشن نشده است که پلنوم ۵۸ گزارش بزرگ را که "اکثریت" تجسم آن بود تقویت کرد که سبب با فروزفتن روز افزون به منجربلاب اپورتونیزم و ارتداد و پذیرش تام و تمام خط مشی حزب توده نه تنها به تأیید همه جانبه رژیم و سیاستهای آن پرداخت بلکه تا بدانجا پیش رفت که همگام با رژیم در سرکوب انقلابیون شرکت جست و در تئورهای و معرفی انقلابیون به رژیم و سپردن آنها بدست دژخیمان هیچ کوتاهی نکرد. "اکثریت" تلاش میکند که کارنامه سباه و ننگین خود را به سالهای

سیاسی ضد انقلابی را در پیش گرفت و تعرض به دست آوردهای انقلابی توده های مردم را آغاز نمود. بنابراین پس از بقدرت رسیدن فرمان خلق سلاح توده ها را مامدر کرد. سازای ارگانهای سرکوب و سنگسری رژیم شاه را که رهبر غربت قیام از هم پاشیده بودند آغاز نمود و ارگانهای سرکوب نویسی را نیز در جنب آنها سازمان داد. نیروهای مسلح خود را برای سرکوب غلغلهای تحت ستم کرد، ترکمن، و عرب کسبل داشت. خواستهای کارگران و دهقانان را با گلوله پاش داد، پورش به سازمانهای سیاسی را سازمان داد، به راهبها شیبها و گردنهای سازمانهای سیاسی حمله کرد، انتشار نشریات را ممنوع نمود و خلاصه کلام دست آوردهای انقلاب را یکی پس از دیگری با زین گرفت. اگر رژیم در سالهای قبل از ۶۰ علیه رژیم اقدامات سرکوبگرانه و ضد انقلابی نمود به علت توازن قوای موجود و شور و شوق انقلابی توده ها قادر نبود دست بیک تعرض وسیع همه جانبه و گسترده علیه انقلاب بزنند و بیگنا توری بر میان و آشکاری را برقرار سازد دره ای در ماهیت ضد انقلابی و ارتجاعی اش تبیینی نمیدهد. در حقیقت رژیم که طی دو سال اول بحسب توازن قوای انقلاب و ضد انقلاب از شیوه های سرکوب و تخمین و با توازن از هر دو شیوه استفاده میکرد، خود را برای تعرض همه جانبه به انقلاب آماده ستم نمود. طی این دو سال نیروهای مسلح و سرکوب خود را تجدید سازمان نمود و مترصد لحظه مناسب برای این تعرض همه جانبه بود. در سال ۶۰ این تعرض نهائی خود را به انقلاب سازمان داد و بجای سیاست سرکوب و سرکوب همه جانبه روی آورد. تنها تبیینی هم که در آن سال در حاکمیت صورت گرفت ستار زده شدن لبرالهای تحت رهبری بنی مدارا حاکمیت بود که در ماهیت ضد انقلابی این دارو دسته نیز کمترین شبهه ای وجود ندارد. جناحها پس از آنکه در حکومت مسلط اند همانهایی هستند که قبل از سال ۶۰ نیز در حاکمیت نقش مسلط را داشته و همگی مدافع سناغ بورژوازی و مملکت هستند. روحانیت مرتجع همان روحانیت است. خمینی همان خمینی قبل از سال ۶۰ است که "اکثریت" از درگاه "خداوند منال" برایش بهبود و سلامتی و طول عمر آرزو میکرد. سباه پاسداران همان سببان پاسداران است که "اکثریت" خواستار مسلح شدن اش به سلاح سنگین برای سرکوب توده ها بود. کمیته ها، انجمن های اسلامی

۶۰ محدود کند و خباثنهای خود را در سالها قبل از ۶۰ بیوشده بدارد، اما هر آنست اندک آگاهی امروزه بخوبی دریافته است که سراسر کارنامه سیاسی "اکثریت" از همان نخستین روز شکل گیری اش مملو از خیانت و ضربه زدن به جنبش طبقه کارگر و انقلاب ایران است. "اکثریت" اکنون که مورد بی مهربی رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفته و تمامی سیاستهایش فاش و برملا شده است، بیاد جنگ و سرکوب، زندان و اعدام و بی حقوقی مردم در جمهوری اسلامی افتاده و ادامه میدهد که: "جمهوری اسلامی مدافع منافع سرمایه داران بزرگ و بویژه تجار و بوسزگی مالکان است و خط مشی رژیم در دفاع از سرمایه داری و در ادامه فاجعه بار جنگ همراه با احمیای عقب مانده ترین اشکال ایستار و ستم، طبقاتی، از یک طرف کشور را به جادترین بحران اقتصادی، دچار ساختن و از طرف دیگر سنگین ترین فشارهای اجتماعی و فقر و فلاکت را نصیب زحمتکشان کشور ساخته است." اینک جمهوری اسلامی مدافع سناغ سرمایه داران است و کشور را به "خادترین بحران اقتصادی دچار ساختن" و با ادامه جنگ مدام بر ایدساد سیاستهای ارتجاعی اش افزوده است، واقعیتی است که حتی "اکثریت" نیز به امروزه قادر به کتمان آن نیست. اما همین "اکثریت" فراموش میکند که خود جارچی حکومت در دفاع از این جنگ ارتجاعی نبود. جنگ را انقلابی، مترقی و مبهی نامید، از توده های مردم خواست که به جنبه های جنگ بروند و به کارگران رهنمود داد که بیشتر تولید کنند و کمتر مزد بگیرند. توده های مردم ایران هیچ گاه این سیاستهای خائشان حزب توده و "اکثریت" را فراموش نمیکنند و با پسر سازمانها قطعاً نمیتوانند با تبیین موضع خود در میان مردم پایگاهی بدست آورند. سرانجام در گزارش "اکثریت" به ادعا نامه او علیه خمینی و روحانیون طرفدار او بر میخوریم. همه باید دارند که "اکثریت" خود را پیروسی چون و چرای خمینی و روحانیون طرفدار او میداند. اما همین "اکثریت" امروزه مینویسد: "دروهله اول باید نقش ارتجاعی روحانیون حاکم و بویژه شخص خمینی در مجموعه آنان اشاره کرد." "جرم او در شکست انقلاب و افزایش رنج و محنت زحمتکشان ایران از همه سنگین تر و بالاتر است." حال پرسیدنی است که چه شخصیتی مورد ستایش "اکثریت" بیکاره در موقیعتی قرار میگیرد که جرم در صفحه ۱۲



یادداشت‌های سیاسی

رژیم مدام محو است و ما را در محاسبات خود محاسبه نکرده است. او فکر می‌کند اگر ایران را در محاسبات خود محاسبه نکند، بعد از جای خود را هم در کشورهای عربی حفظ می‌کند. زانندارم منطقه مینه، این چنین فکری را دارد. بدین ترتیب رفسنجانی به آشکارترین شکلی رابطه جنک و کسب زانندارمی منتهی را مطرح می‌سازد. رفسنجانی می‌گوید که مدام محو است و ما را در محاسبات خود محاسبه نکند. و در محاسبات رژیم جمهوری اسلامی تلاش می‌کند که به قدرتهای امپریالیستی بهمانند خود دست نزنند. نقش شاه را منتهی در پوشش اسلامی به میزده بگرد و بیوانتانی آزاد دارد.

نمایش قدرت در خلیج فارس، بازپرسی کشتی‌ها، تهدید کشورهای حوزه خلیج فارس و کسب پیروزیهای نظامی در جبهه جنگ عراق، سیاست آن دلالی باشد که به قدرتهای امپریالیستی اشیاء نماید که جمهوری اسلامی حفاقت امرا دارد که نقش زانندارمی منطقه را به میزده بگرد و در عین حال تا شد این نقش و قدرت را سوی امپریالیست‌ها به اهرمی جهت تثبیت در داخل بکار گرفته شود.

بر همین مناسبت که رفسنجانی اعلام میکند: "دنا که آن استگاریهاست که طرف ما است، از آن اعتراف میکند، سیر تمیزات خود شون هست که ایران امیر قدرت منطقه است. فهمیدن که اون خوابی که اونها میدیدن اون موقع که در ایران در زمان شاه با ایلحه و با زور امکانات فنی قدرت ایران رو حاکم بر منطقه بکنند، ارتش نیرومندتر در منطقه داشته باشد...

(حال) دنیا قبول کرد که ما قوی ترین نیروی منطقه هستیم. رفسنجانی به زبان بی زبانی می‌گوید که اگر زمان شاه با ایلحه و با زور امکانات فنی قرار بود که ایران قدرت حاکم بر منطقه باشد، اکنون ما غلطانان داده ایم که برترین نیروی منطقه هستیم. رفسنجانی می‌خواهد که قدرتهای استگاری به این مسئله معترف شوند و حق و حقوق این قوی ترین نیروی منطقه را بر سمیت بینانند.

اما همانگونه که رژیم در عرصه داخلی، در مورد تثبیت قدرت خود، سیاست مشکلات و موانع اساسی روبرو است، برای تبدیل شدن به زانندارم منطقه و پذیرش این نقش از سوی امپریالیست‌ها به

۲- جمهوری اسلامی و اجلاس سران "جنبش عدم تعهد"

اجلاس سران "جنبش عدم تعهد" در خواره، با وجود تسلیماتی که رژیم پیرامون آن برای انداختن، برای جمهوری اسلامی یک شکست کامل و البته قابل پیش بینی بود. اما خاتمه‌ای پس از مراجعت از خواره به خلیج معمول، در سباز جمعه تهران، پیروزی‌های چندگانه رژیم را در این اجلاس به اثبات رسانید. در این گزارش داد، در این گزارش، خاتمه‌ای از اوج محبت کرد، اما خاتمه‌ای از جمهوری اسلامی را بر ملا نمود، خاتمه‌ای از فوسها سخن گفت اما ضعف‌ها را بیشتر آشکار کرد. وی از موفقیت‌ها سخن گفت اما شکست را به بهترین نحوی ترسیم کرد. گزارش خاتمه‌ای در مورد دستاوردهای جمهوری اسلامی از شرکت در اجلاس "جنبش عدم تعهد" فقط دروغ پردازیهای رژیم را نزد مردم، بیش از پیش افشا نکرد. بلکه همچنین نشان داد که حاسبت تسلیمات حکومت بر کدامین مسائل استوار است: پذیرش سیالیت، گسترش پان اسلامیت و تثبیت حکومت آن مسائلی است که جمهوری اسلامی در پی آن است.

بر این مناسبت که خاتمه‌ای در گزارش زانندارمی خواره اعلام نمود که موقعیت جمهوری اسلامی در داخل و خارج تثبیت گشته است. پیروزی در جنگ حتمی است. زمینه‌های پذیرش انقلاب اسلامی در جهان فراهم است و اکنون قدرتهای بزرگ و دولت‌های شرکت کننده در اجلاس "جنبش عدم تعهد" به ابهت و اهمیت و اقتدار و حفاقت رژیم جمهوری اسلامی واقف گشته‌اند. خاتمه‌ای آرزوهای خود را بیان کرد هر چند که جریان کار اجلاس و نتایج آن در نقطه مقابل این آرزوها قسرتار داشت.

خاتمه‌ای در گزارش گفت که "بسیاری نمیدانند که این جنگ مسئله‌اش چیست، خیال میکنند دو کشور همسایه برای خاطر یک رودخانه، برای خاطر چند شبهه، بسیاری خاطر نصصات محلی به جان هم افتادند. ما نرفتن پیدا کردیم ما هیت جنگ را به نظر کامل شرح کنیم. خاتمه‌ای سپس مدعی گردید که سران کشورها به ما هیت جنگ پی بردند و حق جمهوری اسلامی می بینند که محاوراتش می‌کند. اما آنچه کسب در اجلاس گذشت نشانگر سخنان مستأملان خاتمه‌ایست. برعکس آنچه که خاتمه‌ای

برای سندی روبرو است. رژیم جمهوری اسلامی یک رژیم بحران زاست، چه در عرصه داخلی چه در عرصه خارجی. امپریالیست‌ها هر چند از این بحران زاست حکومت در منطقه استفاده کرده و موفقیت خود را تحکیم نموده‌اند، اما این وجود جنبش رژیم بحران زاست نمیتواند برای آنها بطوری استقامت و ایل انگا و اعتماد باشد. آثار رژیم که در عرصه داخلی مرتباً در بحران شده و خود به عاملی تبدیل گردیده که از تثبیت رژیم جلوگیری نماید. همین آثار است که گذشته از ما هیت رژیم، بطلب سرآیند نیروهای متفاد درون هیت حاکم تر می‌آید. در عرصه خارجی نیز سارتا با داشته است. سیاستهای متفاد رژیم در منطقه و بحران زاستی آن نمیتواند مورد ناسد سیاستهای دراز مدت امپریالیست‌ها بویژه امپریالیسم آمریکا در منطقه باشد.

تا آنجا که سیاستهای پان اسلامیتی رژیم، در جهت سرکوب جنبش‌های انقلابی و کمونیست‌ها عمل میکند. تا آنجا که به تحکیم موانع امپریالیسم در منطقه باری ممرات و تا آنجا که سبب گسترش بازار ایلحه در منطقه و رونق کار انحصارات ایلحه سازی میشود. قدرتهای امپریالیستی از موانع جمهوری اسلامی، آشکار و پنهان، حمایت مینمایند. اما سیاستهای بحران زای جمهوری اسلامی در منطقه و تهدید کشورهای هم پیمان امپریالیست‌ها، نمیتواند مورد تأیید امپریالیست‌ها قرار بگیرد. مسئله درتهای امپریالیستی زمانی نقس زانندارمی رژیم را مورد ناسد قرار میدهند که با رژیم با شتات روبرو باشد. جمهوری اسلامی اگر چنین مشخه‌هایی بر خوردار نیست.

رژیم می‌خواهد تا شد نقش زانندارمی اش از سوی امپریالیست‌ها را به بزاری جهت تثبیت قدرت در داخل کشور مدل سازد، و امپریالیست‌ها زمانی میتوانند به این نقش صحه بگذارند و آنرا تا شد نمایند که رژیم توانسته باشد خود را تثبیت کند. اما شرایط تثبیت در داخل نه تنها فراهم نیست، بلکه با تهدید بحران افتعادی - سیاسی که در دو ماه اخیر بر حدهت و شدت آن سخوسی ساخته‌ای افزود گشته است. شرایط را برای رژیم جمهوری اسلامی هر چه وخیم تر خواهد ساخت

یادداشت‌های سیاسی

اطهار ذات، اکثریت مردم باسنادی ایران کورما، ارجله کوبا، هندوالتراسر از جمهوری اسلامی خواهند که به حکم پانسان بختند. در پانسان کارکنان سرکمیسیون ساسی اجلاس "غیرمنهید" ها هم پانسان بختند به تنگی را که خامه‌ای مدعی است که توانسته است ماهیت آسرا. در اجلاس بیگانه، خواستار گردید.

سایس وجود خامه‌ای در کمیسیون سراسر اجلاس "غیرمنهید" ها عمران نمود که "تکی" از موفقت‌های پانسان دادن چهره بین المللی جمهوری اسلامی بحیران بک نظام مستقر، به ابراهیم شمس‌زنده و برنشاط بود. "اسی" تمام آن منخه‌های است که جمهوری اسلامی در سطح بین المللی دارا نسبت و در کنفرانس حواره غیر خود را نشان داد. به همین دلیل است که پیروزی در جنبه‌های جنگ مصابیت بحیران این چهره بین المللی جمهوری اسلامی را نشان داد. سراسر اساس است که خامه‌ای گفت: "وقتی که غیر موفقت‌های رزمندگان کربلای ۲ و کربلای ۳ رسد آنجا، سبک رزمه‌ای در سراسر اس جمع سر خود آورد و وفارواست خاصی به هفت تا داکه کاملاً مشهود و محسوس بود."

در موفقت رزم، با معادف مسعودن رمانی عملیات کربلای ۲ و ۳ با کتایش اجلاس "جنش عدم تمهد"، بحیرا است عمومی جنگی اش، هدف دیگری را سیرد سبال میگردد: به نمایش گذاردن قدرت نظامی جمهوری اسلامی برای کسب استیلازات ساسی. این سیاست رزم در عرصه خارجی دهمقا با رتاب وادامه ساسی است که در داخل دنبال کرده است. رزم در داخل با انکاء به سر سیزه شدن بوده است که اندک راهی کند و خود را نشان نماید. در عرصه خارجی سراسر ساسی است که پهنه کرده و جراسر سر مسمو است بکند. کمترین بیان اسلام و تبدیل شدن به سرگرس قدرت منقله، جز از طریق جنگ، جز از طریق ادامه جنگ ایران و عراق و ساسی برپائی هر جنگی دیگر مسمو است سراسر باشد. جمهوری اسلامی با اتحاد ساسی سیاست، به ویژه در مرحله کوسن حکم قصد آنرا دارد که با رورنوب و ساسی و مسواج نیروی انسانی، موجودت خود را نه باشد امیرالاستها و کشورهای منطقه بریاد.

از اینرو آغاز عملیات کربلای ۲ و ۳ برای نشان دادن قدرت نظامی جمهوری

اسلامی، رماسی که سوجه سحرکرار ساسی است اجتن ایران "عدم تمهد" جنبه بود و ساسی، ار نوارد سحت اکثران مرسوم به حکم ایران و عراق بود، دهمقا در عرصه ساسی ساسی تسلطاتی رزم در عرصه بین المللی سراسر داشت.

اما همانگونه که انکاء به سر سیر در داخل، سبب سرده تر شدن مضمون بوده هسای مردم در جنبه رویاروشی با حکومت اسلامی گشته است. در عرصه خارجی نیز سیاست جنگ طلبانه و منگی به نوب و تانک رزم ساسی سبب انروای هر چه سراسر جمهوری اسلامی در عرصه بین المللی گشته است. در عرصه بین المللی همزیانی رهبا تنگی و ساسی بین دولتها و مختلف در محالقت با ادا به جنگ ایران و عراق ایجاد شده است. رزم ساسی جمهوری اسلامی با آگاهی از این مخالفت گسترده جهانی نسبت به ادامه جنگ، از چندین ماه قبل از سرکراری کنفرانس "عدم تمهد"، فعالیت دیپلماتیک وسیعی را بمنظور حذف مسئله جنگ ایران و عراق از دستور کار کنفرانس آغاز نمود. رزم در همین حال فمعدا است با پنوا به پیروزیهای نظامی در ما و سراسر، کشورهای هر چه بیشتر را بسبب ساسیهای خود جلب کرده و با حداقل آنها را س طرف ساسی، در عمل، اما، نسجه اس سیاست دیپلماتیک رزم ساسی سیاست جنگ طلبانه رزم ساسی در حد مفر از کار در آمده.

عملیات کربلای ۲ و ۳ ساسی است نتیجه را بحیران میگردد. همانگونه که در داخل با رفا ساسی سراسر و گسترده سرتزوده‌ها، با انکاء بیشتر به سر سراسر با مطلق بحیران گردیده است. با سراسر ساسی عملیات بود که خامه‌ای در اجلاس حواره گفت: "تسا به تکلیف اسلامی و ملی خود و سیر ساسی به اصول اولیه "جنش عدم تمهد" جمهوری اسلامی موظف است رزم جنگ امروز عراق راه معازات برساند و راه حل هسای سسنادی محام بین المللی و کشورهای سسندیده سرتزازی طح فافدر جنبه و ساسی رزم به سرتزاد است بوده است." ابا عملیات کربلای ۲ و ۳ و اطهارات خامه‌ای سسواس "تسا به ساسی" سراسر را برای جمهوری اسلامی سبب کرده.

اجتن "عدم تمهد" نشان داد که جمهوری اسلامی در عرصه بین المللی سراسر از پیش نه سروا گشته شده است و ساسیهای دیپلماتیک چند ماهه و اهدا، ساسی اردان سسراسر سسواس کار با ربا ندوب سراسر ساسی سوسه طلبانه رزم پوشنی هر چه ساسی تارک سسراسر اند. سسراسر ایران حکومتها

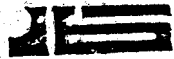
در اجلاس و مضمنا به کمیسیون ساسی اجلاس غیر منمهد ها دال سرتکت کاملاً ساسی رزم در اس اجلاس بود.

۳- چرا ایران حکومت به گران می کند و کمبود کالا اعتراف میکنند؟

کراسی و کمبود کالاهای مورد نیاز توده‌ها آجیان سراسر با ل انکار گشته است که حسی سراسر حکومت هم سسنواننده آن اعتراف میکنند. اما اعتراف سراسر جمهوری اسلامی به گران و کمبود کالا مستنی سراسر تعصب و هدف است: اول اینکه گران و کمبود کالا به چنان درجه‌ای ارحمت و شدت خود رسیده است که هات حاکمه را با لاجبار به توجه گری و دلیل ترانی برای مشکلاتی گشاده که نمیتوان سسکوتشان گذاشت. بدین لحاظ سراسر حکومت با سسواس کوتاه‌های ارسکلات مردم ربا کاران سسخواهند پس الفاء کنند که به مشکلات توجه دارند و لذا برای حل آن خواهند کوسید. سسنی سسبیده که فقط درماندگی ذاتی رزم را سسراسر ساسی میکند. و دوم این که ساسیهای اصلی هسنت حاکمه، هر گ با توجه به بحران موجود، سسکوشند که جناح رفسب را عامل اصلی بحران، گران و کمبود کالا، سسرسی کرده و این معملات را به اهمی درجه سسنت موفقت خود و تنها پتا سسند جناح سسرا از حکومت تبدیل کنند. این عرصه نزاع جناحها و افشاگریهای دوطرفه آنها، اما، خود رسنه ای گردیده است که توده‌ها را نسبت به عامل اصلی تمام سس بد سسنها و فقر و فلاکتشان که نظام سس سراسر به اداری و رزم جمهوری اسلامی است سسنترواقف گردانند. و در همین حال این عرصه نزاع، سسکاف ما سسین جناحها را افزاین دهد.

اعتراف سراسر حکومتی بنیرا مون گران و کمبود کالا که دهدف فوق را دنبال میکند اما سسک هذان کوشی سسخره تبدیل شده است. سخنان سراسر حکومت در هفته دولت ارجله سخنان سسحت و سسراسر، و سسراسر گران و امام حمه‌ها را سس جمله اند.

سسرسی و سسراسر گران سس من اذمان به کمبود کالا و با سس با بدن ناگهان سس کالها، اس سسند راه سسنا به سسرسی سسبب میکند. اما به سسنا به سسرسی داخلی سسرسی سسکود که اسکال ما در سسنا به سسرسی داخلی سسبب سسبب، بلکه در سسنت در سسجهانی سسنا به سسرسی گردانند و ایران دسراسر مشکل کمبود کالا نکرده‌یم. چرا که سسائل



یادداشت‌های میدانی

سازمان اعتمادیات و سایر پدیده‌ها در نگرش‌های دیگر به عامل کمبودکا در ایران تبدیل شده. بعنوان مثال "مجلس" از نگرش‌هاست که در طول خدمتگذاری ایس با نیت در وزارت بازرگانی، اعتمادیات در مسیر راهم در برنامه ریزی ما مصادیم، ساله اعتمادیاتی چگونگی بود که به نفع به نوبت برنامه ریزی های ما پس از این امر هم مستدلی اتفاق افتاد و خارج از برنامه ریزی است. اما نمایان گشتی حفی در توجیه کمبودکا را به همین تاغاشه نمساید و ادامه میدهد. البته از این بعد در برنامه ریزی جاساسات این نوع و فایده هم خواهد شد. از این روزی که همه چیز را دست می‌زد و سابقین بستند، کمبودکا را هم باید

به حوادثی ارسنل اعتماد چگونگی بستند.

حال سازمان رزیم هم دست کمی از وزارت بازرگانی ندارد. وقتی که امام جمعه ایلام میگوید "کمبود نیست، دلیل اینکه مستقیم کمبود نیست، کافی است مثلا شما یک میلیون تومان بردارید و به بازار بروید هر چه میخواهد میتواند به قسمت آزاد بازار فروش و متعسر خریداری کنید. اگر چه بطور ضمنی مثلا خواسته است متعسران و کز ان فروشان را کویتمالی دهد. اما در ضمن حال توجیه آن را از کمبودکا، که به هدیان کوی میماند، آنگار میکند.

متعسران و کز ان فروشان مجهول و نا پیداشده، نه به گردان رزیم، و نه دست وزیر نیرو در همس زمینه میگوید: "دولت بخوبی متعسرین و کز ان فروشان را میشناسد. البته مردم همال است که این چنان را از نخست وزیر شنیده اند و میدانند که تا چه حد جدی

است. تمامی این سخنان هدیان آمیگر، یک حیرت برای بوده، هر چه بیشتر آشکار کرده است: رزیم جمهوری اسلامی که حافظ نظام سرمایه‌داری است خود عامل نظام معاش و بدبختی ما است. هر یک از جاساسات می‌توانند علت بحران و کمبود کزانی را به جناح رقیب منتسب سازند. جناح با راز میگوید که عامل کزانی و کمبود دولت است و اگر رزیم کار در دستان اینتان باشد، اوضاع بروغن مزاد خواهد بود. جناح دولت میگوید که عامل کزانی و کمبود متعسران و کز ان فروشان میس با زار هستند و اگر استنها را هر مهای اقتصادی و سیاسی کننده شوند، نیامی مشکلات بر طرف خواهد شد. اما نموده‌ها در یافته اند که این هر دو جناح برای منافع خود چنان هم افتاده‌اند و مسائلی چون کزانی و کمبودکا، اهرمهای هستند برای ارمیدان بدر کردن جناح دیگر.

گرامی یاد خاطره شهدای ...

جمهوری اسلامی ایلی نداشتند. پادشاهان و گرامی مداریم و آرمانشان را پی میگیریم. شهدای مردادماه سازمان:

- زین العابدین رشتی
- غلامرضا سازاد
- حسن الهباری
- محمدرسل میرزبان
- محمدهفاری آشتیانی
- عباس چمنسرای رودباری
- داریوش شفاهان
- عباسعلی شرفعیان
- قدرت‌الله شاهین سخن
- فرهاد صاسی
- عبدالکریم عبدالله پور
- فرامر شریفی
- فرخ سبزی
- مهدی مصیبت‌گلام
- مهدی بوشنی
- حسن کهنل
- ابراهیم جلالی
- فرور حدبقی
- وساداد سانی
- گوهر هدائی
- جناب حسن پاداری
- حمیل اکبری آذر
- محمد پور فاسنی

- مرتضی مانی
- اسوب ملکی
- سزین میسون
- فادی حسن راده کزانی
- فرما برمان بردار
- معلم سعیدی
- احمد ریسر
- سعید میرتکاری
- هرمرگرجی سانی
- محمود جمعی پور
- فریدون شافعی
- بوخت کزانی راده
- جواد گاشی
- اسوانام رشوند برداری
- و دیگر رفقای فدائی گرامی باد.

- با در فقای بان باخته در شهر بیورما
- محبوب تقدیری
 - عبدالرحمان ایروانی
 - اسرح سبزی
 - علی میرتکاری
 - انورا عشقی
 - محمود سانی
 - هاسم سانی
 - اعظم السادات روحی آهنگران
 - حسن سعادت
 - شهسوار اکبری
 - حمیل بخجالی
 - احسن ناهید
 - شهرارنا هید
 - محمد مجیدی
 - حمیدرضا مالکی

- احمد طائی
- محمدتقی فرومند
- بهنام رهبر
- بهمن رهبر
- محمدرضا فریدی
- سعیده کریمان
- پرویز داوری
- غلام حسن بیگی
- حسن مالمی
- علیرضا شاه بابائی
- ناهر فتوتی
- محمد سیاسی
- حمیدرضا ما هیکر
- عباس کابلی
- نادره توری
- علیرضا پناهی
- قاسم معروفی
- اسوگر آرمان
- هوشنگ احمدی
- رشید یزدان پناه
- محمدرضا ستوده
- سزین چنتی عطاشی
- مرتضی خدا مرادی
- معطلی شمس الدینی
- قاسم سدبا قری
- عبدالرحیم غفوری
- عزیز محمد رحیمی
- اصغر جعفری جراسری
- سیراد سبزی
- خسرو مارکی



پتک است خون من درد دست کارگر
 داس است خون من درد دست پرزگر
 کرامتی باد حائره سپدای
 عرشاد و شهروز عباد
 سازمان



کمیونسالیسم ما مابقی جدا از مابقی
 پروولتاریا ندارد .
 کمیونسالیسم در سار و زاب پروولتاریا و
 مثل کوما کوبا و طرفین مصالح مشترک همه
 پروولتاریا را ، صرف نظر از مصالح ملی شان
 مد نظر قرار میدهد ، و از آن دستخاست
 میسازد ، و از طرف دستبرد میزند
 کوما کوسی که سواره پروولتاریا و
 سوزوازی طی میکند ، آنان همه
 ناسازدگان مصالح و مصالح تمام حسن
 همه حسن است کمیونسالیسم مثلا
 عزم خود را بر بخش پروولتاریای همه کشورها
 و همیشه محرک حسن به پیش میبرد . و از
 لحاظ تنوری آنان به شرایط و جریا و
 نتایج عمومی حسن پروولتاریا است
 می اندیشد . جد کمیونسالیسم مشکل
 کردن پروولتاریا بصورت یک طبقه ، جهت
 سرنگون ساختن سادس بورژوازی و احراز
 قدرت حاکمه سیاسی توسط پروولتاریا
 میسازد .

و فدای ما با هدف مشکل کردن پروولتاریا -
 ربا بصورت یک طبقه ، جهت رهبری حسن
 انقلابی و سرنگون ساختن رژیم حاکم
 سرمایه داری شاه و جمهوری اسلامی و
 کسب قدرت سیاسی و حسن سرمایه داری
 دیکتاتوری پروولتاریا جهت حسن
 سوشالیسم و کمیونسیم . از شرح مذاکراتی
 حتی بدل خان خوین در سوره های سیاسی
 و سخنرانی های خارج از کشور رژیم های شاه و
 در صفحه ۱۷

هدای فدائی

۸/۵ تیر روی موج کوتاه

ردیف ۷۵ متر

۶ صبح و ۱۲/۵ روز بعد

- ★ ۱۷ شهریور باد آور نقش سرکوبگرانه پلیس و ارتش ،
- ★ قیام ۲۲ بهمن به ارتش ضربه زد اما آفران نبود نگردد ،
- ★ از آن پس سپاه ، کمیته ، ارتش و پلیس نقش خورا با کشتار و سرکوب
 مسردم ایفا کرده اند ،
- ★ در انقلاب فردا ، با بدکلیه ارکانهای سرکوبگر در هم شکست و تلیج
 عمومی توده ها و ارتش توده ای را جاگزین آن نموده

یادداشت های سیاسی

۱- جمهوری اسلامی در رویای کسب ژاندارمی منطقه

به بیستام و موقعیت جمهوری اسلامی در
 پله آخر مطرح میکند ، یکی از اهداف
 اساسی رژیم را آزادانه جنگ به نحو روشنی
 آشکار میکند و آن کسب ژاندارمی منطقه
 و بدترین آن از سوی قدرتهای بزرگ است .
 جمهوری اسلامی از ابتدای جنگ ، دو هدف بهم
 پیوسته را دنبال کرده است . تثبیت قدرت
 از طریق از سرگرداندن بحران انقلابی و به
 خدمت در آوردن این قدرت در جهت کسب
 پان اسلام و کسب قدرت برتر در منطقه
 از کسب و از سوی دیگر کسب قدرت برتر در
 منطقه و بدترین آن از سوی قدرتهای
 امپریالیستی بصورت تثبیت قدرت
 سیاسی در داخل ، تسلیم رساندن
 مومنت جمهوری اسلامی را در زمینه کسب
 ژاندارمی منطقه چگونه ارزیابی میکنند .
 رسیحانی در مناظره ای که با مدیران
 صداوسیما جمهوری اسلامی داشت ، گفت

کسب ژاندارمی منطقه یکی از
 اهداف جمهوری اسلامی از جنگ ارضایی
 است که اگرچه در آغاز جنگ و تا مدتها
 پس از آن ، این هدف را پنهان میدانست ،
 اما اکنون مدتی است که سران حکومت
 این هدف ارتجاعی خود آشکارا میکنند
 میکنند . رسیحانی در یکی از خطبه های
 نماز جمعه تهران گفت : " آیا این جنگ
 در شرایطی که برقرار کرد ، وضع جنبه های
 به آن وضعی که در آمده ، ما اریله های
 زیادی با لازم میسر و نزدیک است تمام
 رسدیم ، ما دیگر کدام ؟ بنا بر این معنی
 هم کسب حال که ما را در تمام ، پس هم حسن
 احسان را میکند ، انگار چینی ، حسن
 احسان را میکنند ما رسدیم به آن پله
 بالا ، دیگر الان سر و کله ما از بیستام
 پیدا میشود سوی منطقه ، در اردایش بردگان
 را میکند .
 آنچه که رسیحانی در قبال رسیدن

در صفحه ۱۸

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق